

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



•درسنامه انتخابات•

# انتخابات، به وقت ایران

پاسخ به سوالات و شبهات درباره انتخابات

مدیریت امور دروس معارف اسلامی



درنامه انتخابات

## انتخابات، به وقت ایران

پاسخ به سوالات و شبهات درباره انتخابات

پیوست درسی برای طرح در کلاس‌های معارف اسلامی در دانشگاه‌ها



•• گروه تدوین ••

•• معاونت آموزشی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها ••

•• مدیریت امور دروس ••

•• **سرمدبیر نویسندگان:** سیدجواد میرخلیلی •• **ویراستار محتوایی:** عباس محمدی کلهر ••

با تشکر از اساتید مشارکت کننده در این درنامه:

آقایان: داود فیض افرا، احمدحسین شریفی، حمید احمدی، نجف لک زایی، عبدالحسین خسروپناه، بهزاد دانشفر، محمودرضا قاسمی، محسن نصری، عابدین مؤمنی، امیرحسین مرادپور دهنوی، محسن جبارنژاد، مرتضی یوسفی زاد، سیدعلی اصغر میرخلیلی، علیرضا نائیج، مهدی تقوی و سایر اساتید و محققین عزیزی که در این مجموعه از مطالب ارزشمندشان استفاده شده است.

•• **مدیر هنری:** محمدصادق صالحی •• **تیراژ:** ۲۰۰۰ جلد ••

•• **ناشر:** بهار دلها •• **قیمت:** ۶۵۰۰۰ تومان ••

**دفتر نشر بهار دلها:** قم بلوار شهید منتظری کوچه ۱۶ پلاک ۱۵ نشر بهار دلها

تلفن ۰۲۵۳۷۷۴۱۳۶۲ و ۰۹۱۳۷۵۹۵۲۸۸

•• معاونت آموزشی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها ••

•• مدیریت امور دروس معارف اسلامی ••

فصل اول

پرسش‌های مهم ۹

- |     |  |    |
|-----|--|----|
| ۱.  | برگزاری انتخابات در زمان پهلوی هم بود، مگر انتخابات پس از انقلاب با قبل از آن چه فرقی کرده است؟!؟                      | ۱۱ |
| ۲.  | مگر مجلس در ایران چه جایگاهی دارد که نمایندگی آن این همه اهمیت داشته باشد؟   | ۲۱ |
| ۳.  | مگر نماینده مجلس در ایران چقدر اختیارات دارد؟؟   | ۲۲ |
| ۴.  | وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس در قانون اساسی ج.ا.ا به چه صورتی بیان شده است؟   | ۲۳ |
| ۵.  | چطور یک نماینده مجلس به مردم خود کمک می‌کند؟   | ۲۷ |
| ۶.  | آیا رأی دادن برای یک شهروند وظیفه‌ای اخلاقی است؟   | ۲۸ |
| ۷.  | مشارکت سیاسی اکثریت چه ربطی به ثبات سیاسی و امنیت دارد؟  | ۳۰ |
| ۸.  | آیا در قرآن، آیه‌ای وجود دارد که بتوان از آن برای بحث انتخابات استفاده کرد؟  | ۳۶ |
| ۹.  | آثار و فواید مشارکت حداکثری مردم در نگاه امامین انقلاب چیست؟   | ۳۷ |
| ۱۰. | راهکارهای افزایش مشارکت و حضور حداکثری در انتخابات مجلس چیست؟  | ۴۰ |
| ۱۱. | استادان دانشگاه و حوزه در قبال انتخابات مجلس و تشویق به حضور حداکثری دانشجویان و دبیران اقشار جامعه چه وظیفه‌ای دارند؟ | ۴۳ |

- ۴۶ ۱۲ چگونه دانشجویان و اطرافیانمان را به حضور حداکثری در انتخابات و مشارکت در سرنوشت کشورمان تشویق کنیم؟
- ۴۷ ۱۳ حضور حداکثری در انتخابات بر سیاست خارجی و روابط بین الملل ایران چه اثری دارد؟
- ۴۹ ۱۴ چرا حضور حداکثری در انتخابات یازدهم اسفند مهم است؟

## فصل دوم

- ۵۵ **مهم‌ترین شبهات پیرامون انتخابات و مجلس ایران**
- ۵۷ ۱۵ انتخابات ما ادای دموکراسی‌خواهی غربی‌هاست، اصلاً آیا اسلام انتخابات را به رسمیت می‌شناسد؟
- ۶۳ ۱۶ این همه مشکل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، مگر رأی دادن ما تغییری در وضعیت کشور هم ایجاد می‌کند؟
- ۶۴ ۱۷ با رأی دادن وضعیت بهتر نمی‌شود چرا رأی بدهیم؟
- ۶۶ ۱۸ برخی می‌گویند در کشوری که آزادی نیست و نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان و دیگر مراجع نظارتی فیلتر و عملاً تعیین می‌شوند، رأی دادن چه معنا و ارزشی دارد؟
- ۶۷ ۱۹ آیا رسانه‌های خارجی و فضای مجازی درباره انتخابات ایران دروغ می‌گویند؟ آیا واقعاً انتخابات ایران در سلامت برگزار می‌شود؟
- ۷۱ ۲۰ دشمنان در رسانه‌ها پشان تبلیغ می‌کنند که جمهوری اسلامی به حضور زنان در عرصه سیاست و اجتماع بها نمی‌دهد!
- ۷۲ ۲۱ چرا همه نمی‌توانند در انتخابات کاندیدا شوند؟ و باید از یک فیلتری رد شوند؟
- ۷۳ ۲۲ چطور خیالمان راحت باشد که نظام، حق الناس را رعایت کرده و رأی ما مورد توجه قرار می‌گیرد؟
- ۷۵ ۲۳ آیا امکان تقلب در انتخابات‌های جمهوری اسلامی وجود دارد؟
- ۷۹ ۲۴ نظام ولایت فقیه چطور با مردم سالاری سازگار است؟ آیا به استبداد منجر نمی‌شود؟
- ۸۰ ۲۵ واقعا حکومت ولایت فقیه هم می‌تواند سازوکارهایی برای پیشگیری از فساد، از بالاترین تا پایین‌ترین رده ایجاد کند؟!
- ۸۱ ۲۶ پاسخگویی در نظریه ولایت فقیه چگونه است؟



### مقام معظم رهبری علیه السلام

انتخابات یک میدان سیاسی‌ای است که حضور مردم در آن، به معنای واقعی کلمه لازم است؛ یعنی، هم وظیفه‌ای است برای مردم، هم حقی است برای مردم. حضور در انتخابات صرفاً تکلیف نیست؛ حق است.

(۱۴۰۲/۱۰/۲۶)

همه کسانی که مخاطبانی دارند وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. بعضی‌ها مردم را از انتخابات دلسرد می‌کنند این اشتباه و به ضرر کشور است.

(۱۴۰۲/۱۰/۲)

## یادداشت

جمهوری اسلامی با همه دشواری‌ها و دشمنی‌ها، اپوزیسیون - به معنای واقعی - ندارد. این بدان دلیل است که تاثیرگذاری به واسطه انتخابات برای مردم محسوس است و حاکمیت - چه اصولگرا، چه اصلاح طلب و چه متعادل - برای حضور در صحنه باید از صندوق رأی عبور کنند. انتخابات هم فرمایشی نیست، در موارد بسیاری در دولت مثلاً چپی‌ها، راست‌ها پیروز شده‌اند و یا برعکس. برای نمونه سال ۸۸ عده‌ای معترض بودند، اما چهار سال بعد، دوباره رأی دادند؛ زیرا اطمینان داشتند که رأی‌شان موثر است.

به هر حال، صحنه انتخابات، یکی از صحنه‌های مهم و تاثیرگذاری انقلاب است. انتخابات، وجهه و کارکرد چند وجهی دارد؛ قدرت بخشی به مجلس شورای اسلامی، قدرت بخشی به نظام، ایجاد امنیت برای کشور و مواردی از این قبیل از ثمرات انتخابات است.

در این درسنامه، با استفاده از نظرات اساتید و محققین مطرح دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور سعی شده؛ به مهم‌ترین سوالات و شبهات پیرامون انتخابات در ایران و به خصوص انتخابات مجلس شورای اسلامی، در حد امکان پاسخ داده شود.





## پرسش‌های مهم



## فصل اول





## ۱. برگزاری انتخابات در زمان پهلوی هم بود، مگر انتخابات پس از انقلاب با قبل از آن چه فرقی کرده است؟؟!

بررسی نوع انتخابات و میزان قانون‌مندی و آزادی در آن می‌تواند میزان استبدادی بودن حکومت را مشخص کند. رژیم پهلوی در این زمینه کارنامه سیاهی دارد!

مردم‌سالاری دینی به واسطه انقلاب اسلامی، با تغییر در ساختار حکومتی و ایجاد مشارکت سیاسی در سایه تحقق جمهوری اسلامی، تعالی یافت. سابقه انتخابات به مفهوم جدید آن در ایران به زمان مشروطیت بر می‌گردد. رهبری علما و مشارکت و فشار مردم بر نظام شاهی منجر به صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی شد. تا پیش از این موضوع، سلطنت استبدادی مطلقه به مرکزیت پادشاه، همه قدرت را در اختیار داشت. پس از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه، هیئتی پنج نفره، مسئولیت تدوین نظامنامه انتخابات را بر عهده گرفتند. نهاد دولت و کابینه رسماً شکل گرفت و تمرکز قوا تبدیل به تفکیک نسبی قوا شد. پارلمان و مجلس شورای ملی رسماً شکل گرفت و کشور دارای قانون اساسی شد.

۱. بنگرید به: ایرج همتی، رأی، رأی پهلوی است: نگاهی به ماهیت انتخابات در دوره پهلوی.

هم‌زمان با شروع مشروطیت، انتخابات در اولویت قرار گرفت. از اواخر قاجار و نیز بعد از آن سلسله پهلوی، مجالس شورای ملی متعددی تشکیل و چندین انتخابات هم برگزار شد. محمدعلی شاه، پس از به قدرت رسیدن، مجلس دوم مشروطه را با همدستی لیاخوف روسی به توپ بست و این چنین پرده از ماهیت مخالفت استبداد قاجار با پارلمان و نهاد انتخابات برداشت. انتخابات‌های برگزار شده در زمان پهلوی اول و دوم نیز به دلیل اعمال نفوذهای شخص رضاخان و محمدرضا پسرش، عملاً چیزی جز یک حرکت فرمایشی نبود.

احمد متین‌دفتری از نخست‌وزیران دوران پهلوی اول در خصوص دخالت شخص شاه و دولت در اعمال نفوذ در انتخابات این چنین می‌گوید: "از دوره هفتم مجلس، رژیم دیکتاتوری، بر قوه مقننه استیلا یافت و برای انتخابات، لیست دولتی معمول گردید و این ترتیب تا سال ۱۳۲۰ دوام یافت. شاه، مخالفین رژیم خود را تدریجاً کنار گذاشت، لیکن برای تنظیم لیست انتخاباتی، به وسایل مختلف، راجع به اشخاص مورد اعتماد مردم ولایات تحقیق می‌کرد و غالباً نامزدها را از بین بازرگان و ملاکین و صاحبان مشاغل آزادی مانند پزشکان محل بر می‌گزید. جوانان و مستخدمین تحصیل کرده و فعال را هرگز برای وکالت مجلس قبول نمی‌کرد و آنها را برای خدمات دولتی، ترجیح می‌داد. اشخاصی که در لیست قرار می‌گرفتند، تکلیفشان معلوم بود. در این باره حضور آیت‌الله مدرس به‌عنوان کاندیدا در مجلس هفتم و ماجرابی که سر او آمد، گویای حقیقت ماجراست. تا آن‌جا که هنگام اعلام نتیجه انتخابات حتی یک رأی نیز به نام او خوانده نمی‌شود، او در این باره می‌گوید: "اگر باور کنیم که تمام مردم تهران به من رای ندادند، ولی خودم شخصاً به پای صندوق انتخابات رفته، یک رای به خودم دادم، پس این یک رای که به نام مدرس بود، در صندوق چه شد و چرا خوانده نشد."

در دوره زمامداری محمدرضا پهلوی، به ویژه از کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تشکیل ساواک، انتخابات، به شدت خاصیتی نمایشی و تشریفاتی پیدا کرده بود و صرفاً کسانی به مجلس راه می‌یافتند که مورد تأیید محمدرضا شاه بودند.

دوران مجالس نوزدهم تا بیست و چهارم شورای ملی، دوران سرسپردگی محض نمایندگان، فقدان استقلال و صوری و فرمایشی بودن انتخابات محسوب می‌شود. نمایندگان مجلس در این دوره تاریخی، شامل ترکیبی کاملاً یکدست و مطیع‌اند که بی‌خاصیتی انتخابات را به خوبی نمایان می‌کنند. تسلط آمریکا بر تصمیمات سیاسی داخلی ایران؛ به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد، در این مساله بی‌تاثیر نبوده است، که چرا شاه، بازگشت مجدد خود به قدرت را مدیون کودتای آمریکایی‌ها بود و همین وابستگی، زمینه دخالت بیگانگان در مقدرات این کشور به ویژه دخالت آنان در امر انتخابات را بیش از پیش فراهم می‌کرد.

آمریکایی‌ها تضمین منافع خود در خاورمیانه و ایران را در گرو حمایت از دست‌نشانده خود محمدرضا می‌دانستند. کسی که در اوایل سلطنت، کمترین قدرت را داشت و زیر سلطه دیگران بود. بدین ترتیب پس از کودتای ۲۸ مرداد، زمینه دیکتاتوری مطلق شاه را فراهم کردند. آن‌چنان‌که در ثبت وقایع تاریخی ایام تشکیل کابینه امیرعباس هویدا نوشته‌اند: «شاه در انتصاب و تغییرات کابینه، عنصر فعالی است.. توجه شاه به آنهایی است که به دنبال پی‌ریزی بنای قدرت او می‌باشند.. انتخابات ایران، تقریباً همیشه با تقلب و فریب همراه بوده است که این نوع ریاکاری، حداقل تا زمانی که محمدرضا شاه در سال ۱۹۶۰ بر ایران مسلط گشت، دارای شکل ثابتی نبوده است.. مجلس به عنوان تأییدی برای شاه محسوب می‌شود.. فعالیت مجلس بیشتر در مورد چگونگی اجرای برنامه‌های شاه دور می‌زند. خود برنامه‌ها هرگز مورد سوال قرار نمی‌گیرد.

اکنون پس از گذشت بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، به طور نسبی، حداقل سالانه یک انتخابات برگزار شده است. این آمار، شامل برگزاری همه‌پرسی اصل نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نخستین انتخابات تا برگزاری سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، گویای یک رکورد و نصاب شکنی بی‌سابقه در تاریخ برگزاری انتخابات در ایران است. پس از پیروزی انقلاب، برخی که معتقد بودند در حکومت اسلامی دیگر نیازی به برگزاری انتخابات نیست، با مخالفت شدید حضرت امام خمینی رحمة الله علیه مواجه شدند. لذا با اصرار امام خمینی رحمة الله علیه در همان ابتدای انقلاب، هم اصل حکومت، یعنی ایده جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام پیشنهادی و هم اصل قانون اساسی در کمترین زمان ممکن به‌فراندم گذاشته شد. این اتفاق اگر در تاریخ پیروزی انقلاب‌ها در جهان بی‌سابقه نباشد؛ حداقل کم‌سابقه محسوب می‌شود.

انتخابات برگزار شده در جمهوری اسلامی ایران

ردیف	انتخابات	تاریخ برگزاری	واجدین شرایط	تعداد شرکت کننده	درصد	تعداد داوطلب	تعداد حوزه انتخابیه	تعداد نماینده مورد نیاز
۱	همه پرسى جمهورى اسلامى	۵۸/۱/۱۱-۱۱	۲۰,۸۵۷,۳۹۱	۲۰,۴۴۰,۱۰۸	۹۸.۰۰٪	-	۱	-
۲	خبرگان بررسى نهايى قانون اساسى	۵۸/۵/۱۲	۲۰,۸۵۷,۳۹۱	۱۰,۷۸۴,۹۳۲	۵۱.۷۱٪	۴۲۸	۲۴	۷۳
۳	همه پرسى تأييد قانون اساسى	۵۸/۹/۱۲-۱۱	۲۰,۸۵۷,۳۹۱	۱۵,۶۹۰,۱۴۲	۷۵.۲۳٪	-	۱	-
۴	اولين دوره رياست جمهورى	۵۸/۱/۱۰-۵	۲۰,۹۹۳,۶۴۳	۱۴,۱۵۲,۹۰۷	۶۷.۴۱٪	۱۲۴	۱	۱
۵	اولين دوره مجلس شوراى اسلامى	۵۸/۱۲/۲۴	۲۰,۸۵۷,۳۹۱	۱۰,۸۷۵,۲۶۹	۵۲.۱۴٪	۳,۶۹۴	۱۹۳	۲۷۰
۶	دومين دوره رياست جمهورى	۶۰/۵/۰۲	۲۲,۶۸۷,۰۱۷	۱۲,۵۷۲,۳۱۳	۵۵.۵۲٪	۷۱	۱	۱
۷	سومين دوره رياست جمهورى	۶۰/۷/۱۰	۲۲,۶۸۷,۰۱۷	۱۶,۸۲۷,۷۱۵	۷۴.۲۶٪	۴۶	۱	۱
۸	اولين دوره مجلس خبرگان تعيين رهبرى	۶۱/۱/۱۹	۲۲,۲۷۷,۸۷۱	۱۸,۰۱۳,۰۶۱	۷۷.۲۸٪	۱۶۸	۲۴	۸۲
۹	دومين دوره مجلس شوراى اسلامى	۶۲/۱۰/۲۶	۲۴,۱۴۳,۴۹۸	۱۵,۶۰۷,۳۰۶	۶۴.۶۴٪	۱,۵۱۲	۱۹۳	۲۷۰
۱۰	چهارمين دوره رياست جمهورى	۶۲/۰۵/۲۵	۲۵,۹۹۳,۸۰۲	۱۲,۳۳۸,۵۸۷	۵۲.۷۸٪	۵۰	۱	۱
۱۱	سومين دوره مجلس شوراى اسلامى	۶۷/۱۰/۱۹	۲۷,۹۸۶,۷۳۶	۱۶,۷۱۴,۳۸۱	۵۹.۲۳٪	۱,۱۹۹	۱۹۳	۲۷۰
۱۲	پنجمين دوره رياست جمهورى	۶۸/۵/۰۶	۳۰,۱۳۹,۵۹۸	۱۶,۳۵۲,۵۶۲	۵۴.۳۱٪	۲۹	۱	۱
۱۳	همه پرسى بازنگرى قانون اساسى	۶۸/۵/۰۶	۳۰,۱۳۹,۵۹۸	۱۶,۴۲۸,۱۷۶	۵۴.۵۱٪	-	۱	-
۱۴	دومين دوره مجلس خبرگان تعيين رهبرى	۶۹/۷/۱۶	۳۱,۲۸۰,۰۸۴	۱۱,۶۰۲,۶۱۳	۳۷.۰۹٪	۱۸۰	۲۴	۸۲
۱۵	چهارمين دوره مجلس شوراى اسلامى	۷۱/۱/۲۱	۳۲,۴۶۵,۵۵۸	۱۸,۷۶۷,۰۲۲	۵۷.۸۱٪	۳,۲۳۲	۱۹۶	۲۷۰
۱۶	ششمين دوره رياست جمهورى	۷۲/۰۳/۲۱	۳۳,۱۵۶,۰۵۵	۱۶,۶۷۶,۷۵۵	۵۰.۶۶٪	۱۲۸	۱	۱
۱۷	پنجمين دوره مجلس شوراى اسلامى	۷۴/۱۲/۱۸	۳۴,۷۱۶,۰۰۰	۲۴,۶۸۲,۳۶۸	۷۱.۱۰٪	۵,۳۶۵	۱۹۶	۲۷۰
۱۸	هفتمين دوره رياست جمهورى	۷۶/۰۲/۰۲	۳۶,۴۶۶,۴۸۷	۲۹,۱۴۵,۷۲۵	۷۹.۲۲٪	۳۳۸	۱	۱
۱۹	سومين دوره مجلس خبرگان تعيين رهبرى	۷۷/۰۸/۰۱	۳۸,۵۷۰,۵۹۷	۱۷,۸۵۷,۵۶۹	۴۶.۳۲٪	۲۸	۲۸	۸۶
۲۰	اولين دوره شوراهاى اسلامى کشور	۷۷/۱۲/۰۷	۳۶,۷۲۹,۸۸۲	۲۳,۶۶۸,۷۲۹	۶۴.۴۲٪	۲۳۶,۴۱۸	-	-
۲۱	ششمين دوره مجلس شوراى اسلامى	۷۸/۱۱/۲۹	۳۸,۷۲۶,۴۴۱	۲۴,۰۸۲,۱۵۷	۶۲.۳۵٪	۶,۸۵۳	۲۰۷	۲۱۰
۲۲	هشتمين دوره رياست جمهورى	۸۰/۰۳/۱۸	۴۲,۱۷۰,۳۲۰	۲۸,۱۵۵,۲۶۹	۶۶.۷۷٪	۸۱۴	۱	۱
۲۳	دومين دوره شوراهاى اسلامى کشور	۸۱/۱۲/۰۹	۴۰,۵۰۱,۷۸۳	۲۰,۳۲۵,۸۱۸	۴۹.۹۶٪	۲۱۸,۲۵۷	۹۰۶	۴,۸۲۸
۲۴	هفتمين دوره مجلس شوراى اسلامى	۸۲/۱۲/۰۱	۴۶,۳۵۱,۰۳۲	۲۲,۷۲۴,۶۷۷	۵۱.۲۱٪	۸,۱۷۲	۲۰۷	۲۱۰
۲۵	نهمين دوره رياست جمهورى مرحله اول	۸۲/۰۳/۲۷	۴۶,۷۸۶,۴۱۸	۲۲,۴۰۰,۸۵۷	۴۷.۸۴٪	۱,۰۱۴	۱	-
۲۶	نهمين دوره رياست جمهورى مرحله دوم	۸۲/۰۴/۰۳	۴۶,۷۸۶,۴۱۸	۲۷,۹۵۸,۳۳۱	۵۹.۷۴٪	۲	۱	۱
۲۷	چهارمين دوره مجلس خبرگان تعيين رهبرى	۸۵/۰۹/۲۴	۴۶,۵۲۹,۰۴۲	۲۸,۳۲۱,۲۷۰	۶۱.۰۰٪	۴۹۳	۳۰	۸۶
۲۸	سومين دوره شوراهاى اسلامى کشور	۸۵/۰۹/۲۴	۴۴,۵۰۰,۰۰۰	۲۸,۱۹۹,۹۰۳	۶۳.۸۳٪	۲۴۷,۷۵۹	۱,۰۱۶	۵,۳۶۷
۲۹	هشتمين دوره مجلس شوراى اسلامى	۸۶/۱۲/۲۴	۴۳,۸۲۴,۳۵۴	۲۲,۳۷۹,۷۱۷	۵۱.۲۰٪	۷,۶۰۰	۲۰۷	۲۱۰
۳۰	دهمين دوره رياست جمهورى	۸۸/۰۲/۲۲	۴۶,۱۹۹,۹۹۷	۲۳,۳۷۱,۲۱۴	۵۰.۴۳٪	۴۷۶	۱	۱
۳۱	نهم دوره مجلس شوراى اسلامى	۹۰/۱۲/۱۲	۴۸,۲۸۸,۷۹۹	۳۰,۸۴۳,۴۶۲	۶۳.۸۷٪	۵,۲۸۳	۲۰۷	۲۱۰
۳۲	یازدهمین دوره ریاست جمهوری	۹۲/۰۳/۲۴	۵۰,۲۸۳,۱۹۲	۲۶,۸۲۱,۵۲۸	۵۳.۲۴٪	۷۲,۲۴۲	۱	۱
۳۳	چهارمین دوره شوراهاى اسلامى کشور	۹۲/۰۳/۲۴	۵۰,۲۸۳,۱۹۲	۲۱,۶۲۷,۷۰۴	۴۳.۱۲٪	۲۵۱,۶۶۴	-	-
۳۴	پنجمين دوره مجلس خبرگان رهبرى	۹۴/۱۲/۰۷	۵۴,۹۱۵,۰۲۴	۳۳,۴۸۰,۵۲۸	۶۰.۹۶٪	۷۱۶	۳۱	۸۸
۳۵	دهمین دوره مجلس شورای اسلامی	۹۴/۱۲/۰۷	۵۴,۹۱۵,۰۲۴	۳۳,۸۲۷,۱۱۷	۶۱.۶۴٪	۱۲,۰۷۲	۲۰۷	۲۱۰
۳۶	پنجمین دوره شوراهاى اسلامى شهر ورستا	۹۶/۰۲/۲۹	۵۶,۴۱۰,۲۷۵	۴۱,۰۶۹,۱۶۹	۷۲.۶۶٪	۲۸۱,۸۸۲	۲۹,۲۸۹	۱۳۱,۸۵۵
۳۷	دوازدهمین دوره ریاست جمهوری	۹۶/۰۲/۲۹	۵۶,۴۱۰,۲۷۵	۴۱,۳۶۰,۰۸۵	۷۳.۳۳٪	۱,۶۳۶	۱	۱

در مقایسه اجمالی انتخابات قبل و بعد از انقلاب اسلامی این نکات قابل اشاره است:

۱. انتخابات در رژیم پهلوی تنوع چندانی نداشته و فقط ورود به مجلس شورای ملی با انتخابات انجام می‌شد. حال آنکه برگزاری ۸ نوع انتخابات در نظام جمهوری اسلامی گویای کمیت و کیفیت متفاوت آن است. این تعدد و تنوع، زمینه‌ساز فراوانی مشارکت بالاست که در نوع خود بی‌نظیر است.

همه‌پرسی تأسیس «نظام جمهوری اسلامی»، مجلس خبرگان قانون اساسی، همه‌پرسی قانون اساسی، همه‌پرسی تقنینی «اصل ۵۹ قانون اساسی»، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا بیانگر تنوع انتخابات و مشارکت مردمی در نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی است.

۲. آمار حجم و شدت مشارکت‌ها گویای آن است در حالی‌که در آخرین انتخابات مجلس شورای ملی در سال ۱۳۵۴ تعداد ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار ایرانی مشارکت داشتند، بلافاصله پس از آن و در همه‌پرسی جمهوری اسلامی در تاریخ دهم و یازدهم فروردین، میزان این مشارکت به ۲۰ میلیون نفر رسیده است. آمار متوسط حضور در انتخابات در شرایط مختلف ۶۰ درصد است که در مقایسه با آمار مدعیان دموکراسی و آزادی قابل توجه است. آمار این کشورها گویای مشارکت ۳۵ تا ۵۰ درصدی است.

در تیرماه ۱۳۸۴ جف هون، رئیس مجلس عوام انگلیس پیشنهاد داده بود مشارکت مردم در انتخابات انگلیس اجباری شود؛ زیرا دیگر مردم انگلیس، رغبتی برای مشارکت در انتخابات ندارند.

۳. کمیت انتخابات برگزار شده گویای آن است در حالی‌که از سال ۱۳۳۷ تا



سال ۱۳۵۷ تنها ۴ انتخابات برگزار شد، برگزاری بیش از ۴۰ انتخابات تا دهه چهارم انقلاب اسلامی حتی در سطح جهان بی سابقه است.

۴. بررسی کیفی انتخابات رژیم پهلوی گویای آن است که برگزاری انتخابات بسته و فرمایشی منجر به ورود سرسپردگان آمریکا و انگلیس به مجلس شورای ملی و خیانت به ملت شد. برای نمونه، رضاخان در سال ۱۳۰۲ در مقام فرمانده کل قشون طی تلگرافی به والی ایالت فارس دستور می‌دهد:

«ایالت جمیله فارس در تعقیب تلگراف سابق، مقتضی است قدغن فرمایید که در انتخاب نوبخت از بوشهر مساعدت نشود. حکمت هم که جزء کاندید شهر شیراز است، از جهرم بفرمایید بشود. راجع به ضیاء الواعظین بایستی هر طور است اقدامی بفرمایید که از انتخاب مشا‌زلیه جلوگیری به عمل بیاید»<sup>۱</sup>.

استبداد رضاشاهی منجر به تشکیل مجالس فرمایشی و اجتماع وکلای بله‌قربانگو در مجلس شورای ملی شد. برای مثال، تیمورتاش وزیر دربار طی نامه‌ای به حکام ایالات در ۲۳/۳/۱۳۰۹ چنین می‌نویسد: «در تعقیب دستور صادره از مقام ریاست وزرا و وزارت جلیله داخله، طبق اوامر ملوکانه در قسمت انتخابات دوره هشتم، [یعنی] انتخاب نماینده مجلس شورای ملی، لزوماً اعلام می‌دارد طبق صورتی که ارسال گردیده است، باید جدیت لازمه به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلی حضرت اقدس شهرباری علاقه‌مند هستند که باید اشخاص منعضله‌المندرجه در صورت الف، باید به هر قیمتی باشد، انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود، مقصّر بدیهی است مورد بی‌میلی اعلی حضرت واقع خواهد شد.

این‌گونه ابلاغیه‌ها از حکام ایالات خواسته می‌شد تا برای انتخاب افرادی با شاخصه‌های از پیش تعیین‌شده زمینه‌سازی شود. مهم‌ترین محور این نامه‌ها و گزیده‌هایی از آن بدین شرح است:

۱. «با رعایت مواد مشروحه ذیل، راپرت جلسات خودتان را به وزارت دربار ارسال دارید».

۲. نمایندگان شما طبق صورت ارسالی دربار باید انتخاب شوند.

۳. بدیهی است در صورتی که کاملاً معلوم شد موفقیت کامل حاصل نکرده‌اید، البته اقدام دیگری در صندوق آرا خواهد شد، ولی این موضوع بعداً در صورت عدم موفقیت انجام خواهد شد»<sup>۱</sup>.

مهندسی انتخابات در این دوره تا جایی بود که در سال ۱۳۰۷ رضاخان برای جلوگیری از ورود شهید آیت‌الله مدرس به مجلس هفتم، دستور داد آرای او در شهر تهران را نخوانند و اعلام کردند مدرس هیچ رأیی نداشته است. شهید مدرس در پاسخ به این اقدام گفت: «اگر بیست هزار نفر از مردمی که در دوره قبل، رأی خود را به نام من در صندوق انداختند، همگی مرده باشند یا رأی نداده باشند، پس آن یک رأی من که خودم به خودم دادم، چه شده است؟!»<sup>۲</sup>.

برگزاری انتخابات بسته‌تر و فرمایشی‌تر در دوره پهلوی دوم تداوم یافت. محمدرضا شاه در کتاب پاسخ به تاریخ که نوشته است، اقرار می‌کند: «انگلیسی‌ها این امر را کاملاً عادی و طبیعی می‌دانستند که انتخابات در ایران مطابق نظر و خواسته‌های خودشان صورت بگیرد. در زمان جنگ (جهانی دوم) انتخابات ایران به این صورت انجام می‌گرفت که مثلاً صبح، مستشار سفارت انگلیس با لیستی حاوی هشتاد نامزد

۱. یعقوب آژند و دیگران، اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، ص ۶۷-۶۵.

۲. غلامرضا گلی‌زواره، داستان‌های مدرس، ص ۲۹۴.

نمایندگی مجلس به دیدار نخست‌وزیر می‌رفت و بعد از ظهر همان روز، کاردار سفارت شوروی، نام دوازده نفر از نمایندگان مورد نظر خود را به نخست‌وزیر می‌داد.<sup>۱</sup>

حتی شاه نیز به فقدان انتخابات آزاد معترف شده و از این‌رو در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب، وعده انتخابات آزاد می‌دهد: «در ۵ اوت ۱۹۷۸ (۱۴ مرداد ۱۳۵۷ ش) در نطقی رادیو و تلویزیونی اعلام داشتیم که در پایان دوره پارلمانی، یعنی در آغاز سال ۱۹۷۹ انتخابات آزاد به عمل خواهد آمد».<sup>۲</sup>

دکتر حسین خطیبی، نایب رئیس چهار دوره مجلس شورای ملی، وضعیت انتخابات در دوره پهلوی را این‌گونه ترسیم می‌کند: «انتخابات به هیچ وجه آزاد نبود و کاملاً تحت نظر شاه بود. صلاحیت همه نمایندگان و نامزدها باید قبلاً به تأیید شاه می‌رسید».<sup>۳</sup>

اسدالله علم، از بانفوذترین رجال در دربار پهلوی در خاطراتش می‌نویسد: «دولت ما از انتخابات مجلس گرفته تا انتخابات محلی و انجمن شهر، آزادی را از مردم سلب کرده و اراده خود را تحمیل و نامزدهای خود را از صندوق بیرون می‌آورد».<sup>۴</sup>

ارتشبد حسین فردوست، از نزدیک‌ترین یاران شاه در خاطراتش چنین می‌نویسد: «در دوران قدرت اسدالله علم (نخست‌وزیر شاه) که در واقع، مهم‌ترین سال‌های سلطنت محمدرضاست، نمایندگان مجلس با نظر او تعیین می‌شدند. در زمان نخست‌وزیری اسدالله علم، محمدرضا دستور داد که با «علم» و «منصور» یک کمیسیون سه نفره برای انتخابات نمایندگان مجلس تشکیل دهم. کمیسیون در منزل «علم» تشکیل

۱. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ص ۱۱۸-۱۱۶.

۲. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ص ۳۰۹.

۳. فصلنامه تاریخ معاصر ایران، پاییز ۱۳۷۷، ش ۷، ص ۲۳۶.

۴. اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ج ۲، ص ۴۹۷.

می‌شد. هر روز «منصور» با یک کیف پر از اسامی به آنجا می‌آمد. «علم» در رأس میز می‌نشست؛ من در سمت راست و «منصور» در سمت چپ او. «منصور»، اسامی افراد مورد نظر را می‌خواند و «علم» هر که را می‌خواست، تأیید می‌کرد و هر که را نمی‌خواست، دستور حذف می‌داد. پس از پایان کار و تصویب «علم»، ترتیب انتخاب این افراد داده می‌شد. فقط افرادی که در این کمیسیون تصویب شده بودند، سر از صندوق آرا در می‌آوردند و لا غیر. در زمان هویدا نیز حرف آخر را همیشه «علم» می‌زد.<sup>۱</sup>

این در حالی است که افراد انتخاب شده و وکلای انتصابی نیز در مجلس با سرسپردگی و وابستگی تمام به شاه در خدمت حامیان آمریکایی و انگلیسی او و تصویب قوانین مدنظر آن‌ها بودند. تا بدانجا که حتی طبق گزارش‌های ساواک، نمایندگان اعتراف می‌کردند که باید گوش و چشم بسته قوانین را تصویب کنند و حق تعیین رئیس و هیئت رئیسه مجلس را ندارند و دولت باید آنها را معین کند.<sup>۲</sup> این ساختار فاسد و استبدادی، پس از انقلاب اسلامی به نظام مشارکت مشارکت جو و آزادی خواه حقیقی تغییر وجهه داد. ترکیب ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، انتخابات شوراها، انتخابات مجلس خبرگان گویای این ادعاست که چگونه تفکرات متنوع در تصمیم‌گیری‌ها اعمال می‌شود و همچنین اقلیت‌هایی که نسبت به کل جمعیت فراتر از ۸۰ میلیونی ایران از شمار و تعداد بسیار کمتری برخوردارند؛ نیز از نماینده و حق رأی برخوردار هستند.

طبق اصل ۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی نماینده دارند و این در حالی است که جمعیت برخی از این اقلیت‌ها از میان جمعیت بیش از ۸۰ میلیونی ایران، جمعیتی نادر است.

۱. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. محمد رحیم عیوضی، طبقات اجتماعی و رژیم شاه، ص ۸۷.

## ۲. مگر مجلس در ایران چه جایگاهی دارد که نمایندگی آن این همه اهمیت داشته باشد؟

مجلس به‌عنوان قوه عاقله نظام‌های سیاسی و محل تجلی اراده عمومی مردم در جوامع و در عصر جدید جایگاه والایی دارد. در ایران معاصر هم‌زمان با سقوط رژیم استبدادی سلطنتی و پیروزی انقلاب اسلامی، نظامی مبتنی بر آرای مردم شکل گرفت و در قالب مجلس شورای اسلامی، عینیت خارجی یافت. این مجلس از زمان تشکیل تاکنون به‌عنوان یکی از ارکان نظام سیاسی جمهوری اسلامی، نقش و اهمیت بسزایی دارد. به‌گونه‌ای که حضرت امام رحمة الله علیه آن را در رأس تمام امور معرفی کرده‌اند. لازمه چنین شأن و منزلتی، حضور افراد کارآمد و با ویژگی‌های خاص در این قوه است و از آن‌جا که حضور این افراد از طریق انتخاب مردم ممکن است، لزوم شرکت در انتخابات و انتخاب دقیق برای ارتقای شأن رفیع مجلس واضح است. متأسفانه سودجویی برخی از مدعیان فرصت‌طلب برای تصاحب کرسی مجلس نیز قابل اشاره است. عمدتاً این افراد با طرح شعارهایی خارج از حیطه وظایف نمایندگی و مرتبط با وظایف دولت، جایگاه رفیع نمایندگی را تنزل می‌دهند. حال باید بدانیم، مجلسی که از افراد توانمند و صالح و باتقوا تشکیل شده باشد می‌تواند با انجام صحیح وظایف قانونی خود به مشکلات مردم رسیدگی کند و ایمان و کارایی وکلای آن به تقوای سیاسی بینجامد؛ تقوایی که افراد را به پرهیز از وابستگی و منفعت‌جویی برساند.

افرادی که حامی مصالح عمومی و یاریگر گروه‌های مختلف اجتماعی هستند و با توانایی در تشکیل دولتی مقتدر نقش‌آفرینی می‌کنند تا دولت نیز در پی تأمین منافع جامعه باشد و با کارآمدی و توانمندی،

## پرسش

## ۳. مگر نماینده مجلس در ایران چقدر اختیارات دارد؟؟

عدالت اجتماعی را محقق سازد. بی‌عدالتی و عدم پیشرفت و توسعه، ارتشاء و پارتی‌بازی و هزاران مشکل دیگر، حلقه وابسته به هم هستند که مرکز ثقل همه آن‌ها انتخاب دقیق و یا غیر دقیق است.

مشارکت در تهیه و بررسی و تصویب قوانین و مقررات کشور از وظایف اصلی نمایندگان به شمار می‌رود. مجلس موظف است در تهیه، بررسی و تصویب قوانین و مقررات کشور شرکت کند. این قوانین می‌توانند به صورت لایحه (از طرف دولت یا قوه قضاییه یا شورای عالی استان‌ها) یا طرح (از طرف حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان) به مجلس ارائه شوند. همچنین، یک نماینده مجلس می‌تواند در تفسیر قوانین عادی و تصویب رجوع به همه پرسى و تغییر خطوط مرزی کشور نیز نقش داشته باشد. یک نماینده مجلس موظف است بر اجرای قوانین و سیاست‌های کشور نظارت کند. این نظارت می‌تواند به صورت تذکر، سوال، استیضاح، تحقیق و تفحص، رسیدگی به اتهام و نیز نظارت مالی انجام شود. یک نماینده مجلس می‌تواند از هر شخص و مقامی توضیح بخواهد و در صورت قانع نشدن، وی را به مراجع قضایی معرفی کند. همچنین، یک نماینده مجلس می‌تواند در رأی اعتماد به وزرا و برکناری رئیس جمهور و وزرا و هیئت وزیران نیز شرکت کند. یک نماینده مجلس باید در انجام این وظایف، به مصالح کشور و مردم توجه کند و از پاکدستی و امانتداری برخوردار باشد.<sup>۱</sup>

۱. سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی مقام معظم رهبری.

## ۴. وظایف و اختیارات نمایندگان مجلس در قانون اساسی ج.ا.ا. به چه صورتی بیان شده است؟

انتخابات در قانون اساسی جمهوری اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. در اصل اول از فصل اول، با اشاره به نوع حکومت ایران؛ یعنی جمهوری اسلامی، بر تحقق آن از طریق اراده مردم تاکید شده است. در اصل ششم فصل اول نیز این چنین آمده است: «در جمهوری اسلامی، امور کشور باید با اتکای به آرای عمومی اداره شود از راه انتخابات مثل انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها». این اصل نشان دهنده این است که تمامی ارکان حاکمیت از طریق رای اکثریت و با انتخاب مردم، رسمیت و تحقق پیدا می‌کند. امروزه هم در عمل، تمامی مسئولان جمهوری اسلامی، از شوراهای شهر و روستا گرفته تا عالی‌ترین سطوح حاکمیتی نظیر رهبری و ریاست جمهوری، با رای مستقیم (مثل نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری، خبرگان، اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا و...) و یا غیر مستقیم (مثل مقام رهبری) انتخاب می‌شوند و از همین رهگذر، یک نظارت دائمی و مستمر عمومی بر قدرت سیاسی در کشور، طی چهل سال اخیر شکل گرفته است. در اصل ۵۶ فصل پنجم قانون اساسی تحت عنوان حاکمیت و قوای ناشی از آن به این نکته اشاره شده که «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت، این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند». منظور از طرق در اینجا، از جمله انتخابات است که ابزار تحقق حاکمیت ملی و اراده عمومی مردم است. در اینجا پارادوکسی میان رای مردم و حاکمیت خداوند هم پیش

نمی‌آید؛ در واقع، حکومت دینی، نه تئوکراسی است که اعتباری برای رای مردم قائل نباشد، نه آریستوکراسی است که صرفاً به رای نخبگان اکتفا کند و نه صرفاً دموکراسی غربی است که نقش ارزش‌های دینی و الهی را به حاشیه براند. در واقع، جمهوری اسلامی، نوعی مردم‌سالاری دینی است که تمامی مزایای هر سه سیستم تئوکراسی، آریستوکراسی و دموکراسی را دارد ولی در عین حال، از معایب هر سه مبرا است.

همچنین طبق اصل ۵۹ قانون اساسی ایران، مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای عمومی تعیین می‌شود. چنانکه طبق اصل ۶۲، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد و در اصل ۱۱۴ هم درباره رئیس‌جمهور آمده است که با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان این موارد را به صورت تیتروار به این صورت بیان کرد:

اول: قانون‌گذاری؛ از مهم‌ترین وظایف نمایندگان مجلس، تصویب قوانین عادی در حدود شرع مقدس اسلام و قانون اساسی می‌باشد. اصل ۷۱ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

پیش‌نویس قانون تحت عنوان لایحه و طرح به مجلس داده می‌شود. لایحه، مصوباتی‌اند که از طرف دولت برای تصویب به مجلس ارسال می‌شود. طرح؛ پیشنهادهایی هستند که توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای عالی استان‌ها به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شوند.

دوم: شرح و تفسیر قوانین عادی؛ اصل ۷۳ قانون اساسی، مفسر قانون



عادی را مجلس معرفی نموده است: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است»

سوم: نظارت بر امور کشور؛ نظارت مجلس به دو صورت استطلاعی و استصوابی می‌باشد. نظارت استطلاعی به معنای این است که نمایندگان حق دارند از عملکرد نهادها و سازمان‌های اجرایی و قضایی اطلاع داشته باشند. اصل ۷۶ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد».

اصل ۸۸: «در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هریک از نمایندگان از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور، بیش از یک ماه و در مورد وزیر، بیش از ده روز به تاخیر افتد؛ مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی».

نظارت استصوابی، نظارتی است که برخی اعمال حقوقی زیر نظر مستقیم و با تصویب و صلاحدید ناظر انجام می‌گیرد و بدون تصویب ناظر، اعتبار قانونی ندارد. برخی از موارد استصوابی مجلس بر قوه مجریه عبارتند از:

۱- نظارت تأسیسی: این نظارت بر شروع کار دولت است. اصل ۱۳۳: «وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند».

۲- نظارت سیاسی: در این نوع نظارت، مجلس بر رفتار و کردار سیاسی اعضای قوه مجریه نظارت دارد. نظارت سیاسی ناشی از مسئولیت رئیس جمهور، هیئت وزیران و یا هر یک از وزیران به طور جداگانه در برابر مجلس می‌باشد. در اصول ۱۲۲، ۱۳۴ و ۱۳۷ اشاره شده است که این نوع نظارت از طریق استیضاح و رای عدم اعتماد صورت می‌گیرد.

- ۳- نظارت مالی؛ این نظارت به دو صورت انجام می‌شود:
- الف)** تصویب بودجه سالانه کشور براساس اصل ۵۲ قانون اساسی انجام می‌شود.
- ب)** نظارت بر اجرای دقیق بودجه سالانه که از طریق دیوان محاسبات انجام می‌گیرد.
- ۴- نظارت بر تصویب اسناد بین المللی (اصل ۱۲۵)
- ۵- نظارت بر تصویب تغییرات جزئی خطوط مرزی (اصل ۷۸)
- ۶- تصویب محدودیت‌های زمان جنگ و شرایط اضطراری (اصل ۷۹)
- ۷- تصویب وام‌ها و کمک‌های بلاعوض خارجی و داخلی (اصل ۸۰)
- ۸- تصویب استخدام کارشناسان خارجی (اصل ۸۲)
- ۹- تصویب انتقال اموال و بناهای دولتی که جزء نفایس ملی‌اند (اصل ۸۳).
- ۱۰- تصویب صلح دعاوی درباره اموال دولتی یا ارجاع آن به داوری (اصل ۱۳۹)

## نکات مهم پیام رهبر انقلاب اسلامی در پی حضور پرشکوه مردم در انتخابات

۱۳۹۴/۱۲/۹

عنوان	موارد
حضور مردم در انتخابات	<ul style="list-style-type: none"> <li>◇ سپاسگزاری از لیبیک عمومی ملت ایران به فراخوان نظام اسلامی</li> <li>◇ نمایش مردمسالاری دینی به جهانیان با حضور ملت ایران در انتخابات</li> <li>◇ سرفرازی ایران اسلامی به استحکام مقرراتی که این فرصتهای مغتنم را برای قد برافراشتن و تجدید قوای ملی فراهم آورده است</li> </ul>
وظایف مسئولان کشور و انتخاب‌شوندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان	<ul style="list-style-type: none"> <li>◇ تحقق سپاسگزاری شایسته در خدمت صادقانه به مردم و کشور و نظام اسلامی</li> <li>◇ ساده‌زیستی</li> <li>◇ پاکدستی</li> <li>◇ حضور پیوسته در جایگاه مسئولیت</li> <li>◇ ترجیح منافع ملی بر خواسته‌های شخصی و جناحی</li> <li>◇ ایستادگی شجاعانه در برابر مداخلات بیگانه</li> <li>◇ واکنش انقلابی به نقشه‌های بدخواهان و خائنان</li> <li>◇ منش جهادی در اندیشه و عمل</li> <li>◇ کار برای خدا و در راه خدمت به خلق خدا</li> </ul>
وظایف مجلس آینده	<ul style="list-style-type: none"> <li>◇ حساسیت، هوشیاری و عزم راسخ مسئولان در شرایط حساس کنونی</li> <li>◇ توجه به پیشرفت کشور به‌عنوان هدف اساسی</li> <li>◇ نپذیرفتن پیشرفت صوری منهای استقلال کشور و عزت ملی</li> <li>◇ پرهیز از هم‌معنی دانستن پیشرفت با حل شدن در هاضمه‌ی استکبار</li> <li>◇ حفظ عزت و هویت ملی تنها با پیشرفت همه‌جانبه و درونزا</li> </ul>

### پرسش

#### ۵. چطور یک نماینده مجلس به مردم خود کمک می‌کند؟

یک نماینده موظف است صدای مردم خود در مجلس شورای اسلامی باشد و درخواست‌ها، نیازها، مشکلات و پیشنهادات آنها را مطرح کند. یک نماینده باید با مردم خود ارتباط برقرار کند و نظرات و انتقادات آنها را جمع‌آوری و پاسخ دهد. یک نماینده موظف است به مردم خود در حل مشکلات و رفع موانعی که در راه توسعه و رفاه آنها وجود دارد کمک کند. یک نماینده باید با دستگاه‌های

اجرائی و قضایی همکاری کند و از حقوق و منافع مردم دفاع کند. همچنین یک نماینده موظف است به مردم، آموزش‌های لازم را بدهد تا آنها بتوانند بهتر از حقوق و تکالیف خود آگاه باشند و در فرایندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شرکت کنند. یک نماینده باید با رسانه‌ها، مدارس، مساجد و سایر نهادهای فرهنگی همکاری کند. اینها فقط برخی از روش‌هایی هستند که یک نماینده می‌تواند به مردم خود کمک کند. البته، برای این کار نیاز به توانایی، اخلاق، امانتداری و مسئولیت‌پذیری از سوی نماینده و همچنین حمایت، همکاری، اعتماد و مشارکت از سوی مردم است.

### پرسش

## ۶. آیا رأی دادن برای یک شهروند وظیفه‌ای اخلاقی است؟

نیاز به بحث مشارکت در انتخابات از زاویه اخلاق به عنوان یک بحث نو و بدیع در کنار مباحث سیاسی و اجتماعی احساس می‌شود. پژوهشگران انگلیسی در این موضوع پیش‌قدم هستند و تحقیقات مفیدی داشته‌اند. دائرہ‌المعارف استنفورد از مجموعه‌های علمی، پژوهشی آنلاین، مقاله‌ای به قلم جیسون برنان<sup>۱</sup> با عنوان «الزام اخلاقی به رأی» منتشر کرده است. در پاسخ به این سوال که آیا مشارکت در انتخابات توسط یک شهروند تا چه حدی عملی اخلاقی محسوب می‌شود، مکاتب مختلف پاسخ‌هایی داده‌اند. بسته به نوع نگرش مکاتب درباره اخلاق هنجاری و ارزشی گذاری یک عمل اختیاری به خوب و بد جواب‌ها متفاوت است. مکتب‌های پیامدگرایی با توجه به نتیجه و پیامد رأی‌گیری، تنها در صورت اثرگذاری یک رأی بر نتیجه انتخابات، آن را مشروط بر این‌که بهره‌برایی برای اکثریت در پی داشته باشد، اخلاقی می‌دانند.

۱. فیلسوف آمریکایی.

اخلاق فضیلت رأی‌دادن را فضیلت ذاتی می‌داند که انجام دادن آن قدم برداشتن در مسیر سعادت است. خودگرایان رأی‌دهی را راهی برای بیان خود و منفعت بردن ترسیم می‌کنند. وظیفه‌گرایی کانتی، رأی‌گیری را برخاسته از احساس تعهد و وظیفه اخلاقی می‌داند. در باور لذت‌گرایان اخلاقی نیز این عمل تنها برای کسب لذت انجام می‌شود.

در این بین، پژوهشگران اخلاق کاربردی معتقدند که رأی‌دهنده در قبال شناسایی و انتخاب نامزد مناسب مسئولیت داشته و باید درست انتخاب کند. آن‌ها در این باره منشورهایی را برای شناسایی دقیق فنون انتخاباتی و ارزیابی و تشخیص وعده‌های صحیح نامزدها، در اختیار مردم قرار داده‌اند تا مسحور تبلیغات کاذب آن‌ها نشوند.

به باور محققانی همچون جیسون برنان، رأی‌دادن راه اصلی تأثیرگذاری شهروندان بر کیفیت دولت‌ها و مراکز قدرت است. چگونگی انتخاب افراد می‌تواند در سرنوشت عمومی و سود و زیان دیگران مؤثر باشد؛ برای مثال اگر نتایج انتخابات به یک دولت ناکارآمد و بد بینجامد به ضرر آموزش عمومی هم خواهد بود. شهروندان وظیفه اخلاقی دارند که «رأی خوب» بدهند و به چیزی رأی بدهند که خیر عمومی را فراهم و از رنج مردم بکاهد.

اکثر فیلسوفان اخلاق و سیاست بر این باورند که شهروندان وظیفه دارند رأی بدهند؛ حتی زمانی که به درستی معتقدند شانس پیروزی برای حزب یا نامزد آنان وجود ندارد؛ این نگرش، بسیاری از مردم را این باور رسانده است که حتی به میزان انداختن یک رأی سفید در صندوق نیز به وظیفه عمومی خود عمل کنند. استدلال آن‌ها این‌گونه است که حتی رأی سفید و هرگونه مشارکت در انتخابات نیز برای حفظ نهاد دموکراسی و مردم‌سالاری و انجام وظیفه ملی در قبال خود و دیگران اهمیت داشته

و مؤثر است. بیربوه‌م، یک فیلسوف سیاسی است که معتقد است که شهروندان وظیفه دارند برای آن که به بی‌عدالتی متهم نشوند رأی دهند. به نظر او منتخبان مردم همواره به جای آن‌ها عمل می‌کنند و فعالیت شهروندان نیز جزئی از فعالیت قانون‌گذاران محسوب می‌شود. و حتی اگر در فرایند انتخاب دخیل نبوده و در تشکیل دولت، سهمی ندارند در عمل نمایندگان و تصمیمات نا عادلانه آن‌ها شریک‌اند. چنین نظریه‌ای به معنی آن است که شهروندان علاوه بر رأی دادن موظف‌اند رأی ممتنع هم ندهند. به نامزدها و سیاست‌هایی رأی دهند که بی‌عدالتی را کاهش می‌دهد؛ از این رو اگر قرار باشد همه در خانه بمانند و رأی ندهند؛ نتایج فاجعه باری رقم خواهد خورد و وجدان اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی، آن‌ها را بازخواست خواهد کرد.

### پرسش

## ۷. مشارکت سیاسی اکثریت چه ربطی به ثبات سیاسی و امنیت دارد؟

ثبات یا عدم ثبات سیاسی، یکی از مباحث مهم حوزه علوم سیاسی است. این مفهوم در نظریه پیچیدگی و مشکلاتی دارد که به پیچیدگی کیفیت سنجی مباحث آن مرتبط است. زیرا شاخصه‌های مورد توافق مشترکی بین نظریه‌پردازان ندارد. این اختلاف نیز به پیچیدگی موضوع و اختلاف در مبانی و درک و دریافت نظریه‌پردازان مرتبط است.

اشتراکات مبحث ثبات سیاسی با دگرگونی سیاسی، فرهنگ سیاسی، توسعه سیاسی، همگون سازی سیاسی و ملت‌سازی سبب شده تا این مسأله در جامعه شناسی سیاسی اهمیت ویژه‌ای یابد. با این حال با تامل در تعاریف و ملاک‌ها می‌توان به یک اجماع نسبی در احصای شاخص‌های

بی‌ثباتی و ثبات سیاسی دست یافت. ثبات سیاسی به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی<sup>۱</sup> و نهادمندی سیاسی است.<sup>۲</sup>

اقدام برای سرنگونی یا از میان برداشتن سریع زمامداران یک نظام سیاسی به وسیله فرایندها و اقدام‌های خشونت‌بار از شاخصه‌ها و نشانه‌های بی‌ثباتی سیاسی است. به نحوی که یکی از اندیشمندان معتقد است «میزان یا درجه‌ای از تجاوز افراد یا گروه‌های درون سامانه سیاسی علیه سایر گروه‌ها یا علیه مجموعه‌ای از مقامات و یا میزان تجاوز مقامات علیه افراد یا گروه‌ها خشونت محسوب می‌شود و باید این وضعیت را بی‌ثباتی سیاسی در نظر گرفت».<sup>۳</sup>

رودلف روبل، خشونت را معیار بی‌ثباتی یک جامعه می‌شمارد و آن را وضعیتی می‌داند که در آن دو یا چند طرف، توان و نیروی خود را برای ضرر زدن هدفمندان به یکدیگر مصروف می‌نمایند.<sup>۴</sup>

بنابراین می‌توان گفت که فقدان خشونت در جابجایی و انتقال قدرت و یا فرایندهای مشارکت عمومی از نشانه‌های ثبات سیاسی است.

طولانی بودن دوره حکومت یا کابینه از شاخص‌های دیگر ثبات سیاسی است. ما در برهه‌ها و مقاطع متعدد در دوره معاصر تاریخ ایران با بی‌ثباتی فزاینده به این معنا و بر اساس این شاخصه مواجه بوده‌ایم؛ همانند آنچه در روی کار آمدن دولت‌ها و مجالس پس از نهضت مشروطه تا سال‌های اول حکومت پهلوی اول و تزلزل و ناپایداری کابینه‌ها در دهه ۱۳۳۰-۱۳۴۰ رخ داد که از نمونه‌های بارز این بی‌ثباتی‌اند. دولت‌هایی با عمری کوتاه و اغلب

۱. اکه، بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر توسعه، ص ۳.

۲. ساموئل هانتینگتون، - مرداد و شهریور ۱۳۷۴- اقتدارگرایی و زوال مشروعبیت، فرهنگ توسعه، سال ۴ شماره ۱۹.

۳. ر.ک: حمید احمدی، دموکراسی انجمنی و ثبات سیاسی در جوامع ناهمگون، ص ۱۰۴-۱۰۳.

۴. همان، ص ۱۰۵.

کمتر از یک سال، حتی کمتر از شش ماه و تعطیلی مجلس و عدم برگزاری انتخابات پارلمان از پی‌آمدهای این بی‌ثباتی سیاسی بوده است.

لذا شکل‌گیری و انتقال قدرت در یک فرایند تعریف شده و در دوره زمانی مشخص و بادوام از شاخصه‌های ثبات سیاسی است.

شاخص دیگر در ثبات سیاسی، وجود نهادهای قدرت و سامانه‌های سیاسی و حقوقی و نهادهای قانونی است. مشروعیت یک سامانه سیاسی و اقدامات آن باید نتیجه فرایند قانونی جابجایی نخبگان و مجریان در نهاده‌ها باشد. از این رو، جابجایی افراد و قدرت در یک فرایند قانونی بادوام، شاخصه ضروری در ثبات سیاسی است. بی‌تردید، انتخابات قانونی و مطابق مقررات و در چارچوب نظام سیاسی، بیان‌گر ثبات سیاسی است.

لذا برخی اندیشمندان، مشروعیت را بر اساس تعداد سال‌هایی که یک کشور طی یک دوره زمانی خاص بر اساس قانون اداره شده است، را شاخص مشروعیت آن کشور می‌دانند؛ یعنی مدت زمان معینی که یک حکومت، کشور را از طریق انتخابات نسبتاً آزاد، اداره می‌کند.

شاخصه دیگر ثبات سیاسی، عدم دگرگونی ساختارهای اساسی یک نظام سیاسی است. بنابراین، سامانه‌ای که در طول سالیان متمادی از دگرگونی و اشکالات ساختاری دور باشد، با ثبات قلمداد می‌شود.

بنابراین حکومت پایدار و بادوام در جوامع با ثبات سیاسی بالا در برابر فشارهای محیطی در حفظ الگوهای حکومتی خود توانمند است. گرچه توافق بر سر دگرگونی ساختاری مشکل است، اما تقریباً همه اندیشمندان، تداوم شکل و الگوی حکومت را به معنای عدم دگرگونی ساختاری پذیرفته‌اند.

یکی دیگر از شاخص‌های ثبات سیاسی، تصمیم‌گیری مؤثر از طریق مشارکت عمومی است. لذا مشارکت عمومی چه بر ساخته حکمرانان و یا نوع حمایت‌گرانه و مشارکت جویانه مردمی آن به‌تنهایی نمی‌تواند



تضمین‌کننده ثبات سیاسی باشد و به ایجاد قدرت پایدار بینجامد. مردم باید نتیجه مشارکت خود در تصمیم‌گیری‌ها را درک و احساس کنند.

دقیقاً همانند جابجایی افراد در سامانه‌های مردم‌نهاد، که تغییرات در آن‌ها ملموس است، این تغییرات باید در تصمیم‌گیری‌های بزرگ کشوری نیز قابل‌مشاهده باشد.

اکنون با شناسایی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر در ثبات سیاسی می‌توان نسبت انتخابات پیش‌رو را با این شاخصه‌ها سنجید و ارزیابی کرد.

بی‌تردید انتخابات پیش‌روی مجلس شورای اسلامی ایران که در آن نمایندگان در فرایندی قانونی و با آرای مردمی انتخاب می‌شوند، عرصه مشارکت عمومی مردم برای اتخاذ تصمیم‌گیری‌های مؤثر است.

خوشبختانه با تدابیر اتخاذ شده حتی در شرایط دشوار زمان جنگ و هنگامی که بخش‌هایی از سرزمین ایران، در اشغال متجاوزان بعثی بود، فرایند انتخابات مختل نشده و قوه مقننه در زمان قانونی خود به فعالیت پرداخت و نمایندگان پارلمان به انجام وظایف قانونی خود پرداختند و منشأ تصمیم‌گیری‌های مؤثر و مهم اعم از وضع قوانین، تصویب برنامه‌های توسعه، برنامه و بودجه سالانه، رای اعتماد به کابینه یا استیضاح و عزل وزرا و حتی فراهم کردن زمینه عزل رئیس‌جمهوری در یک دوره و نظارت فراگیر و گسترده در ادوار مختلف بوده است. همچنین مجلس شورای اسلامی با آرای مردم همواره با ترکیب بندی جدیدی از نمایندگان از جناح‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف شکل گرفته است.

حتی در شرایط مخاطره‌آمیز و خشونت‌بار در کشور نیز با وجود کج‌تابی‌ها و شرایط اعتراضی و اردوکنشی‌های خیابانی معاندان نیز، نهاد انتخابات با تدابیر اتخاذ شده به‌دور از همه تنش‌ها استوار بود و نهادهای منتخب در فضایی قانونی به ایفای نقش تعریف شده پرداختند.

پس از ۴ دهه بنیان ساختار سیاسی و الگوهای قانونی تعریف شده همچنان استوار است و با وجود تغییرات گسترده و جابه‌جایی‌های فراوان افراد نهاد مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی و نهاد ریاست‌جمهوری، دگرگونی‌های بنیادینی در ساختار نظام اسلامی مشاهده نمی‌شود که این امر مبین ثبات سیاسی این نظام است. از طرفی این تعداد جابه‌جایی افراد از آن‌جا که در چارچوب قانون و به پشتوانه مشارکت مردمی اتفاق افتاده است مشروعیت داشته و مشروعیت‌بخش نیز هست.

آن‌چه اهمیت دارد این است که همه کسانی که دل در امنیت و عزت کشور و اعتلای اسلام و ایران دارند با همه تفاوت‌ها در سیاست‌ورزی، نگاه‌ها، سلیق، مواضع و حتی رهیافت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت، بر حفظ و تحکیم ثبات سیاسی متفق و در آن تردیدی ندارند؛ چرا که هر نوع کنش سیاسی و ایفای نقش مؤثر در صحنه‌های قدرت سیاسی، نیازمند برخورداری از ثبات سیاسی در کشور است. حافظه تاریخی سیاست در ایران، تجربیات تلخی از بی‌ثباتی سیاسی حکومت فاسد پهلوی را حفظ کرده است.

به همین دلیل، رهبری انقلاب اسلامی، مشارکت عمومی و انتخابات را از عناصر قدرت دانسته و بر مشارکت عمومی گسترده در انتخابات تاکید دارند و همواره از برگزاری انتخابات در چارچوب قانونی و در موعد مقرر حمایت و هیچ‌گاه اجازه ندادند به هیچ بهانه‌ای انتخابات به تاخیر بیفتد و یا ملغی گردد. انتخابات قانونی، زمینه‌ساز مشروعیت و امنیت و ایفای نقش مؤثر مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان و مهم کشور است و این عناصر قدرت اگر به درستی و واقعی محقق شوند باعث ارتقای قدرت کشور در داخل و در عرصه بین‌الملل خواهد بود.

برای دستیابی به ثبات سیاسی که مطالبه‌ای همگانی است، باید زمینه

مشارکت عمومی مؤثر و کارآمد فراهم شود. قهر کردن از صندوق انتخابات و یا کاهش مشارکت همگانی، ضمن ایجاد تزلزل سیاسی و برهم زدن ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را نیز به خطر می‌اندازد.

حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رای، تثبیت جایگاه نظام را در پی دارد. از منظر رهبر معظم انقلاب، حضور حداکثری در انتخابات مهم‌تر از آن است که چه کسی در انتخابات پیروز می‌شود. بر همین اساس، اصل حضور مردم حتی از انتخاب اصلح مهم‌تر است، اگر چه که انتخاب اصلح نیز بسیار مهم است. حضور حداکثری مردم، نشانه مردم سالاری دینی، رشد اجتماعی مردم و نشانگر استحکام نظام است که با مشارکت تمام آحاد مردم به دست می‌آید.

حضور آگاهانه علاوه بر مأیوس کردن دشمنان، توطئه آنها را خنثی کرده و برای کشور مصونیت و اعتبار به همراه خواهد داشت. طبق نظر رهبر معظم انقلاب، رسانه‌ها باید با امیدبخشی به مردم، افزایش انگیزه جامعه برای حضور در انتخابات، سرنوشت خود را پیگیری کرده و از سیاه‌نمایی شرایط کشور، که خواست دشمنان است، پرهیز کنند.

در پایان به فرمایشات مقام معظم رهبری درباره اهمیت حضور حداکثری مردم در انتخابات و نسبت آن با تأمین و تثبیت امنیت اشاره می‌شود: «آن‌چه سایهٔ جنگ را، سایهٔ تعرّض دشمن را در طول این سالهای متمادی از سر این کشور رفع کرده، حضور مردم بوده است. خوب، این حضور چه جوری نشان داده می‌شود؟ مهم‌ترین مظهر این حضور، انتخابات است؛ عرض من به مردم این است. من به مردم نمی‌گویم فلان کس را انتخاب نکنید، فلان کس را انتخاب نکنید؛ این را هرگز به مردم نخواهم گفت، اما به مردم عرض می‌کنم و اصرار می‌کنم که حتماً در پای صندوق رأی حاضر بشوید و رأی

## پرسش

## ۸. آیا در قرآن، آیه ای وجود دارد که بتوان از آن برای بحث انتخابات استفاده کرد؟

اگر از ما بپرسند چه آیه ای در قرآن کریم هست که ما می‌توانیم در بحث انتخابات از آن استفاده کنیم می‌توانیم بگوییم این آیه است که خداوند متعال در سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا». مضمون این آیه شریفه این است که اولاً خداوند از ما می‌خواهد در تعیین سرنوشت خودمان مشارکت کنیم. البته در این رابطه آیات دیگری نیز مصداق دارد؛ مثلاً در آیه شریفه درباره فلسفه ارسال رسل نیز گفته شده است که هدف از فرستادن انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ این بوده که «لِيَتَّقُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» اتفاق بیافتد. مردم باید به درجه ای برسند که برپا دارنده عدل و قسط شوند.

خداوند متعال از همه اعم از مردم و مسئولین می‌خواهد که هر امانتی را به کسی بسپارید که صلاحیت نگهداری آن را داشته باشد؛ امروزه به اصطلاح به این امر شایسته سالاری می‌گوییم. ما باید به صحنه انتخابات به عنوان یک صحنه ای نگاه کنیم که قرار است امانت‌هایی به افرادی سپرده شود. بنابراین رویکرد اسلام به مسئله مناصب حتی در حوزه خانواده یا در هر امر

ریز و درشت دیگری این است که ما امانت را بشناسیم و هر امانتی را به کسی بسپاریم که شایستگی لازم برای آن را دارد. متناسب با هر مسئولیت شایستگی آن مسئولیت مدنظر است.

از جمله پیامدهای این نگرش این است که با رویکرد الهی در انتخابات، مسئولانی انتخاب می‌کنیم که ملتزم به ولایت الهی باشند؛ و به ولایتی طاغوتی و شیطانی قائل نباشند. در قرآن کریم، دو نوع ولایت و همبستگی مطرح شده است؛ از جمله در آیه‌ی الکرسی که همه می‌خوانیم: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ». یعنی یکی از پیامدهای بی‌توجهی به این فرمان خدای متعال این است که تلاشتان را معطوف به این کنید که هر امانتی به اهلش سپرده شود؛ در صورت بی‌توجهی، امکان روی کار آمدن کسانی که دل در گرو ولایت الهی ندارند فراهم می‌شود. این افراد ممکن است برنامه ریزی‌هایشان به جای اینکه معطوف به رفتن به سمت نور باشد به سمت ظلمات و تاریکی‌ها باشد. در مجموع، انتخابات موضوع بسیار مهمی است که نیازمند مسئولیت اجتماعی بالا در انتخاب افراد امین است.

### پرسش

۹. آثار و فواید مشارکت حداکثری مردم در نگاه امامین انقلاب چیست؟

یکی از مهم‌ترین مظاهر جمهوریت در اندیشه سیاسی امام، تأکید بر لزوم مشارکت سیاسی مردم و حق نظارت آنهاست. اصل مشارکت که از بنیادی‌ترین اصول اجتماعی مردم‌سالاری در نزد امام بوده، حقی است مبتنی بر اعتقاد به برابری و آزادی همه قشرهای جامعه. مشارکت سیاسی در اندیشه امام، هم حق و هم تکلیف است؛ بدین بیان که از یک سو حق

اولیه هر فرد است «که خودش انتخاب بکند یک چیزی را که راجع به مقدرات مملکت خودش است»<sup>۱</sup> و از سویی دیگر تکلیفی شرعی برای مسلمانان است که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. بنابراین، شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی است. بر این اساس، امام تلاش نمود با ترغیب مردم به حضور در صحنه‌های مهم سیاسی، جایگاه این مشارکت را در قانون اساسی نهادینه کند.

رهبر معظم انقلاب نیز در این باره می‌فرماید: «آحاد ملت ما بدانند آنچه بکارند، می‌دروند. بعضی ممکن است در رأی‌گیری شرکت نکنند؛ بعد بگویند چرا فلان کار نشد. شما باید شرکت می‌کردید و آن کسی را که فکر می‌کنید می‌تواند این کار را انجام دهد و می‌پسندید، انتخاب می‌کردید تا آن‌طور که می‌خواهید، بشود. نمی‌شود ما در انتخابات شرکت نکنیم، بعد، نتیجه انتخابات احياناً آن‌طور که ما می‌پسندیم، نشود؛ سپس بگوییم چرا نشد؟ بله! وقتی انسان شرکت نکند، همین است. همه باید شرکت کنند. این یک وظیفه است؛ هم وظیفه اسلامی است، هم وظیفه میهنی و ملی است و حفظ عزت و شوکت کشور به این وابسته است، هم وظیفه سیاسی است - کسانی که فهم و تشخیص سیاسی دارند، وظیفه دارند وارد شوند - هم وظیفه اخلاقی است؛ حقوق مردم اقتضا می‌کند که در این میدان وارد شوند. کارهایی که باید در کشور انجام گیرد، اقتضا می‌کند که انسان در این میدان وارد شود. انتخابات را مغتنم بشمارید و قدر بدانید و در آن شرکت کنید، حادثه بسیار مهمی است»<sup>۲</sup>.

حضور حداکثری مردم در انتخابات برای کشور، اقتدار در سطح بین‌الملل و امید به کار افزون‌تر از سوی مسئولین و انتخاب‌شوندگان به وجود می‌آورد تا جایی که مردم به خوبی احساس می‌کنند که در همه پیشرفت‌ها

۱. صحیفه امام، جلد ۴، ص ۴۹۲.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰.

و پسرقت‌ها سهمی دارند. روحیه بی‌تفاوتی و گوش‌سپردن به دشمنان خارجی و رسانه‌های آن‌ها؛ یعنی اجازه دادن به بیگانگان برای تسلط بر امور کشور.

مقام معظم رهبری، حضور چشمگیر مردم در انتخابات را مظهر اقتدار و عزت ملی می‌داند و می‌فرماید: «خود انتخابات، مظهر اقتدار ملی است. اگر ملت ایران بتواند در این انتخابات، آراء فراوان خود را به میدان آورد و حضور مردمی، حضور چشمگیری باشد، این بزرگ‌ترین مظهر اقتدار و عزت ملی است»<sup>۱</sup>.

موضوع مشارکت حداکثری مردم در انتخابات یکی از پیش‌فرض‌های بنیادین نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران است. جمهوریت نظام اسلامی ایران و تبلور آن در این حضور حداکثری به‌خوبی نمایان است. یکی از مسائلی که کینه‌توزی‌های دشمنان انقلاب اسلامی را افزایش داده است همین موضوع حضور حداکثری مردم در انتخابات مختلف ایران اسلامی است. راهبرد اساسی انتخابات، حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی است. به اذعان رهبر معظم انقلاب: «آنچه باید به‌عنوان راهبرد اساسی مورد نظر همه باشد، عبارت است از حضور حداکثری مردم»<sup>۲</sup>.

عظمت حضور حداکثری مردم ایران در انتخابات، نگاه‌های بین‌المللی را به این پیش‌کسوت انتخاباتی در مشارکت‌های بزرگ به خود جلب کرده است. امروزه چشم همه کشورهای مدعی دموکراسی و آزادی، به ایران اسلامی دوخته شده است که سرنوشت انتخابات چگونه رقم خواهد خورد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «کشورهای دیگر نگاه می‌کنند ببینند این پیش‌کسوت انتخاباتی و انقلابی - که ملت ایران است - چه کار خواهد

۱. بیانات در اجتماع مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضا، علیه‌السلام، یکم فروردین ۱۳۸۰.

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۲۴ آبان، ۱۳۸۳.

کرد... ملت‌های دیگر نگاه می‌کنند ببینند انتخابات در ایران به کجا خواهد رسید. استکبار دوست دارد که انتخابات در کشور ما آن‌چنان بشود که ملت‌ها را مأیوس کند»!

اهمیت و وجوب مشارکت حداکثری مردم در انتخابات تا بدان حد بوده است که رهبران عالی‌قدر نظام جمهوری اسلامی در مراحل و فواصل مختلف پی‌اپی در سخنرانی‌های خویش از آن یاد کرده‌اند و مشارکت مردم را هم حق و هم تکلیف آنان دانسته‌اند و از آن با عنوان ضامن حفظ اسلام، کشور، استقلال و آزادی ملت یاد کرده‌اند؛ چیزی که دشمنان را از تهدید و چنگ‌اندازی به این مملکت و انقلاب اسلامی ناامید می‌کند.

### پرسش

## ۱۰. راهکارهای افزایش مشارکت و حضور حداکثری در انتخابات مجلس چیست؟

انتخابات در زیر چتر مردم‌سالاری و با شرکت و حضور فعال مردم معنا پیدا می‌کند. از نگرانی‌های عمده و برجسته نخبگان و فعالان سیاسی، بی‌توجهی اقشار جامعه درباره سرنوشت سیاسی خود است. به همین دلیل جامعه را به سمت و سوی صندوق‌های رأی ترغیب و تشویق می‌کنند.

بی‌رغبتی عمومی عمدتاً با اصطلاح مشارکت حداقلی بیان می‌شود. این اتفاق زمانی است که عده‌ای در انتخابات شرکت نکنند و به پای صندوق‌های رأی نروند. طبیعی است انتخاب کم‌شور پیامدهایی دارد؛ از جمله اینکه بعدها افراد بی‌اعتنا در مقابل ناملایمات و مشکلات جامعه داد سخن می‌دهند که چرا این مشکلات وجود دارد؟ چرا این وعده‌ها انجام نشده است؟



یکی از صحنه‌های مهم کشور، انتخابات است. دشمن می‌خواهد آن را به هموردی برای مشروعیت نظام تبدیل کند و به این دلیل همه باید برای مشارکت در انتخابات تلاش کنیم.

انتخابات مجلس شورای اسلامی، یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی کشور است که نشان‌دهنده مردم‌سالاری دینی، اقتدار ملی و نوسازی نظام است. برای افزایش مشارکت حداکثری مردم در انتخابات مجلس، می‌توان از این راهکارها بهره برد:

آگاهی بخشی عمومی: مردم باید از اهمیت و تأثیر انتخابات در بُعد داخلی و خارجی کشور آگاه باشند و بدانند که رأی آنها در تعیین سرنوشت کشور و مقابله با توطئه دشمنان، نقش مهمی دارد. برای این منظور، می‌توان از رسانه‌ها، مسئولان، روحانیون، فعالان سیاسی و اجتماعی، مدارس، مساجد و سایر نهادهای فرهنگی برای اطلاع‌رسانی و ترویج فرهنگ انتخابات بهره برد. دشمنان نظام اسلامی تلاش دارند با ایجاد تشنج، تفرقه، بی‌اعتمادی، بی‌اثرکردن، ناامیدی و بی‌اعتنایی در میان مردم، مشارکت آنها را در انتخابات کاهش دهند. برای این منظور، از تهمت، افترا، شایعه، تخریب، تحقیر، افشای اسرار و سایر روش‌های نفوذ و تبلیغات منفی استفاده می‌کنند. مردم باید از این سناریوها آگاه باشند و با استناد به منابع معتبر و مورد اعتماد، از حقیقت مطلع شوند و در دام دشمنان نیفتند.

تنوع نامزدهای انتخاباتی: یکی از عوامل مهمی که بر مشارکت مردم در انتخابات تأثیرگذار است، کیفیت و تنوع نامزدهای انتخاباتی است. مردم باید از میان نامزدها افرادی با کفایت، با ایمان، عدالت‌خواه، انقلابی، معتقد به توانمندی داخلی سرمایه‌های انسانی جوان را انتخاب کنند.

برای این منظور، می‌توان از شورای نگهبان، شورای عالی استان‌ها، حزب‌ها، گروه‌ها و جریانات سیاسی برای ارائه و ترویج نامزدهای مطلوب و مورد

اعتماد مردم استفاده کرد. انتخابات باید فرصتی باشد برای ابراز همبستگی، همدلی و هم صدایی مردم در حمایت از نظام اسلامی و مقاومت در برابر دشمنان. انتخابات نباید موجب شود که مردم به دلیل اختلاف در سلیقه، بینش، قومیت و مذهب از یکدیگر دور شوند و تفرقه و دوقطبی به وجود آید. برای این منظور، می‌توان از بیانات مراجع تقلید، رهبری معظم انقلاب، مسئولان، روحانیون، فعالان سیاسی و اجتماعی برای تقویت وحدت ملی و اجتناب از تخریب، تهمت، تحقیر و افتراء در فضای انتخابات استفاده کرد. به هر حال، قبل از اینکه کار داشته باشیم که چه کسی در انتخابات آتی رأی می‌آورد یا نمی‌آورد، باید تلاش کنیم که مشارکت مردم افزایش پیدا کند. محور تبلیغات ما در انتخابات باید امیدآفرینی برای افزایش مشارکت باشد. در ادامه به چند راهکار دیگر برای افزایش حضور حداکثری مردم در انتخابات اشاره می‌شود:

**الف)** باید تصویری مطلوب، جذاب و شورانگیز از آینده‌ای که جامعه به سوی آن حرکت می‌کند، ارائه شود.

**ب)** باید کلان‌روایتی مبتنی بر نظریه پیشرفت تبیین شود و مشخص شود که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و.. گام‌های بلند و موفق و گاهی شگفت‌انگیز، به سمت آن تصویر مطلوب برداشته و موازنه‌ها را تغییر داده است.

**ج)** در جهاد تبیین باید بین گفتمان «مقاومت و پیشرفت» و «انفعال و توسعه» مقایسه و توضیح داده شود که مقاومت موفق بوده است مسیر دیگری را برای پیشرفت پایدار کشور باز کند که آثار خسارت‌بار گفتمان سازش و توسعه را در پی ندارد.

**د)** باید با آسیب‌شناسی، معضلات و مشکلات کشور، همدلانه با جامعه و

مردم مطرح شود؛ نباید انتقادات و اشکالات نادیده گرفته شود، اما در تحلیل علل و عوامل این آسیب‌ها باید مشخص شود که آسیب‌ها در نتیجه مقاومت نبوده و عمدتاً به علت «انفعال و توسعه» و کپی برداری از الگوهای غربی است؛ هرچند بخشی هم به سبب کوتاهی‌هاست.

در پایان، ذکر این نکته لازم است که بصیرت بخشی، افزایش امید و پرهیز از سیاه‌نمایی می‌تواند زمینه حضور حداکثری مردم را برای ایجاد فضای رقابتی سالم و به دور از بداخلاقی‌های سیاسی فراهم سازد.

### پرسش

۱۱. استادان دانشگاه و حوزه در قبال انتخابات مجلس و تشویق به حضور حداکثری دانشجویان و دیگر اقشار جامعه چه وظیفه‌ای دارند؟

براساس جدیدترین نظرسنجی‌ها که در زمستان ۱۴۰۲ انجام شده است، استادان دانشگاه در بالاترین جایگاه مرجعیت عموم جامعه قرار دارند ۴۹٫۲ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که با نظر اعضای خانواده موافقت ۴۹٫۱ درصد نیز نظر او استادان دانشگاه را در انتخاب خود مؤثر دانسته‌اند.

#### ○ نقش استادان در انتخاب و وظایف آنها:

حضور اساتید در انتخابات به عنوان الگوی جامعه: اساتید دانشگاه باید به عنوان یک وظیفه شرعی، قانونی و انقلابی در انتخابات مجلس شرکت کنند و با رأی خود، به تشکیل مجلسی قوی، متعهد، متخصص و انقلابی کمک کنند. اساتید دانشگاه باید با توجه به معیارهای اسلامی و انقلابی، نامزدهایی را انتخاب کنند که دارای ایمان، اخلاق، کفایت، تجربه، انسجام و تعهد به مصالح کشور و مردم باشند.

آگاهی افزایی: همچنین باید به عنوان یکی از منابع معتبر و مورد اعتماد مردم، آنها را درباره اهمیت و تأثیر انتخابات، معیارهای انتخاب نامزدها، روشهای شناسایی و خنثی کردن سناریوهای دشمنان، و نیز حقوق و تکالیف خود در فرایند انتخابات راهنمایی و آموزش دهند.

گسترش فرهنگ انتخاباتی: اساتید دانشگاه باید با استفاده از رسانه ها، محافل علمی، مراکز تحقیقاتی، وبسایتها و سایر ابزارهای ارتباطی، فرهنگ انتخاباتی را در جامعه گسترش دهند.

تحلیل و ارزیابی انتخابات: اساتید دانشگاه باید به عنوان یکی از متخصصان و محققان حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، انتخابات مجلس را از نظر فرآیندی، محتوایی و پیامدها تحلیل و ارزیابی کنند. آنها باید با ارائه گزارش‌ها، مقالات، کتاب‌ها و سایر محصولات علمی، به بررسی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و چالش‌ها بپردازند و با ارائه راهکارهای کیفی سازی انتخابات مجلس، به کارآمدی انتخابات کمک کنند.

یگانه مسیر تحقق مشارکت بالا در شرایط فعلی، «ترسیم آینده‌ای مطلوب ناظر به واقعیت‌های جامعه است» و این هدف بدون ایجاد رقابت بر سر ایده‌ها و برنامه‌ها برای اداره بهتر کشور در حوزه‌های مختلف؛ اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و.. بدون نقش آفرینی جدی جامعه دانشگاهی ممکن نیست.

اما در رابطه با حوزه و حوزویان، مهم‌ترین وظیفه حوزویان تبیین اهمیت مشارکت مردم در انتخابات است؛ اینکه در قرآن کریم آمده است: ﴿تَوَلَّوْا مَا

تَوَلَّى﴾، یعنی ما ولایت را به کسانی می‌دهیم که مردم به آنها رو می‌کنند. این آیه بیانگر آن است که در جامعه‌ای اگر خود مردم دقت نکنند، خدای متعال موظف نیست که وظیفه آنها را انجام دهد؛ سنت الهی بر این است.

حوزویان باید برای مردم تبیین کنند که مراجعه و دنباله‌روی از طاغوت،

جامعه جاهلی و طاغوتی را در پی خواهد داشت و نتیجه پیروی از پیامبران و فقهای جامع‌الشرایط و ولی فقیه الهی، ایجاد جامعه‌ای نورانی است؛ حوزویان باید روشنگری کنند و به مردم نشان دهند تک تک رفتارهای ما از جمله رفتارهای انتخاباتی ما و کنش‌های سیاسی ما مورد توجه خداست و تماماً در چارچوب تکالیف معنادار می‌شوند.

در سلطه‌گری کسانی که دل در گرو شیاطین دارند، کسانی که با رأی خود آن‌ها را بر کرسی نشانند نیز شریک‌اند و بالعکس؛ با انتخاب صحیح و ولایی در عمل منتخبان و قدم‌هایی که در مسیر اصلاح جامعه برمی‌دارند؛ برای انتخاب‌کنندگان نیز باقیات‌الصالحات ثبت خواهد شد.

سایر اقداماتی که اساتید حوزه و دانشگاه و دیگر نخبگان جامعه باید در راستای حضور حداکثری و مشارکت حداکثری با درنظرداشت اخلاق انتخاباتی انجام دهند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- احترام به قوانین و مقررات انتخابات و کمک به ترویج روحیه قانون‌گرایی در جامعه و در محیط دانشگاه و بین دانشجویان؛
- تلاش برای رشد آگاهی عمومی، نشاط اجتماعی، و مشارکت آگاهانه و حداکثری در انتخابات؛
- توجه و احترام به ارزش‌های دینی و ملی در موضع‌گیری‌ها و مباحث خودشان؛
- توصیه به دانشجویان و دیگر اقشار جامعه به دقت و مطالعه در شناسایی احزاب، جریان‌های سیاسی یا نامزدهای انتخاباتی، و پرهیز از اظهارنظرهای غیرمسئولانه؛
- کمک به شناخت معیارهای نامزد اصلاح و ایجاد روحیه نقد منصفانه و اخلاقی عملکرد ارکان دخیل در انتخابات؛

- حفظ وقار و منزلت اجتماعی در مواجهه با سود یا زیان جریان‌های انتخاباتی؛
- حفظ هوشیاری در برخورد با مخالفان نظام و پرهیز از اعتماد به بیگانگان و معاندان.

## پرسش

## ۱۲. چگونه دانشجویان و اطرافیانمان را به حضور حداکثری در انتخابات و مشارکت در سرنوشت کشورمان تشویق کنیم؟

برای پاسخ به این سوال می‌توان گفت: اول، همان طور که در همه مراحل زندگی از کودکی تا بزرگسالی، انتخاب‌های مختلفی برایمان پیش می‌آید و دوست داریم که اختیاراتی داشته باشیم چون احساس می‌کنیم که برخورداری ما از حق انتخاب، نشان دهنده ارزش گذاری به شخصیت ما است؛ در عرصه سیاسی و اجتماعی هم به همین صورت است. به هر حال چه در انتخاب‌های دوران کودکی که محدود به مدل لباس و اسباب بازی بود و چه مهم‌ترین انتخاب دوران نوجوانی که شامل انتخاب رشته و چه مهم‌ترین انتخاب دوران جوانی که به موضوع، انتخاب همسر و انتخاب شغل محدود می‌شد؛ در همه انتخاب‌های زندگی مان هر جا که حق انتخاب داشتیم خوشحال و راضی بودیم. البته داشتن راهنما در همه مراحل از مواهب و نعمت‌های مفید و کارگشا بوده است. اکنون در آستانه انتخابی دیگر برای تعیین سرنوشت ملی هستیم باید از حقی که در اختیار داریم خرسند باشیم و احساس ارزش کنیم. ارزش و احساسی که پیش از انقلاب از ما دریغ شده بود.

و دوم اینکه سعی کنیم با دقت و بصیرت و در نظر گرفتن همه نکات؛ اعم

از گذشته کاندیداها، کارنامه و برنامه‌های آینده‌شان که چه قدر عملیاتی و درست و قابل اجرا است و همچنین دقت در دوستان و اطرافیان و طرفداران کاندیداها که چه کسانی هستند و همچنین دقت در مخالفان کاندیداها که چه کسانی هستند و مهم‌تر از همه دقت در صحبت‌ها و عملکرد کاندیداها که چه قدر اولولیت‌های کشور را می‌شناسند و به آن اهمیت می‌دهند و بدون توجه به مسائل حاشیه‌ای و بدون توجه به حزب و گروه و فامیل و.. انتخاب کنیم.

### پرسش

## ۱۳. حضور حداکثری در انتخابات بر سیاست خارجی و روابط بین الملل ایران چه اثری دارد؟

افزایش مشارکت در انتخابات با افزایش توانمندی سیاست‌گذاری در عرصه داخلی و خارجی با تقویت پایه‌های دموکراسی و مردم‌سالاری نسبت مستقیم دارد. از طرفی حضور فعالانه مردم در انتخابات به نوعی انتخاب خط‌مشی‌ها و مسیر سیاست‌گذاری امور کشور است که از زبان انتخاب‌شوندگان در معرض انتخاب قرار می‌گیرد. حتی سیاست‌گذاری خارجی نیز براساس تمایل انتخاب‌کنندگان تعیین شده و نگاه و نظر و تمایلات آن‌ها در شکل‌گیری کلیات آن تأثیر مستقیم دارد. همچنین این مسئله با تقویت پایه‌های دموکراسی در سیاست‌گذاری عمومی، به افزایش اعتبار بین‌المللی نیز منجر می‌شود. گسترش ارتباطات با عمده کشورهای که پایه روابط بین‌الملل را توجه به حقوق بشر و آزادی انتخاب مردم سالاری و دفاع از مظلومین و مستضعفین می‌دانند نیز از مواهب دیگر افزایش مشارکت در انتخابات است. این حق تعیین سرنوشت و اعمال آن به وسیله مردم با مشارکت در انتخابات که نشان انسجام و

همبستگی درونی جامعه است موجب اعتبار و آبرو برای سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی است. مشارکت مردم موجب همبستگی ملی، قدرت و استحکام در عرصه سیاست خارجی و افزایش قدرت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود.

از سوی دیگر، حضور حداکثری بر تغییر حاکمان بر سیاست خارجی یک کشور تاثیر می‌گذارد. در واقع مردم، نظرات و دیدگاه‌های خود را با انتخاب مسئولان و حاکمان به وسیله انتخابات در تغییر و یا تداوم سیاست‌ها بیان می‌کنند. به طور کلی، مشارکت فعال مردم در انتخابات می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر تعاملات و سیاست خارجی داشته باشد و باعث بهبود روابط کشور با جامعه بین‌المللی شود.

در واقع، نتایج انتخابات می‌تواند به عنوان یک ابزار برای تغییر سیاست‌های خارجی کشور و افزایش یا کاهش قدرت ملی استفاده شود و این تغییرات در زمینه‌های ذیل می‌تواند باشد:

۱. تغییر در نگرش سیاسی: نتایج انتخابات ممکن است باعث تغییر در نگرش سیاسی کشور شود. نمونه‌ای از این تغییرات، برگزاری انتخابات در کشورهای مردمسالار است که می‌تواند باعث تغییر در سیاست‌های خارجی کشور شود.
۲. تغییر در مجریان: نتایج انتخابات ممکن است باعث تغییر در مجریان کشور شود. مجریان جدید ممکن است سیاست‌های جدیدی را در قبال کشورهای دیگر برقرار کنند و این باعث تغییر در سیاست خارجی کشور شود.
۳. تأثیر گروه‌های فعال: نتایج انتخابات ممکن است باعث تأثیر گروه‌های فعال در سیاست خارجی کشور شود. برای مثال، گروه‌های لابی ممکن است با تأثیر در نتایج انتخابات، توانایی خود را در تغییر سیاست‌های



خارجی کشور نشان دهند. بنابراین، انتخابات می‌تواند به عنوان یک فرصت برای تغییر سیاست‌های خارجی کشور در نظر گرفته شود. انتخابات در نظام جمهوری اسلامی ایران، تاثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی دارد. انتخابات، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی به عنوان دو نهاد مهم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاست خارجی کشور دارای نقش مهمی هستند. در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، مردم ایران به عنوان رای دهندگان، با انتخاب نمایندگان خود، تاثیر بسیاری بر سیاست خارجی کشور می‌گذارند. به طور کلی، انتخابات می‌تواند به عنوان یک فاکتور تاثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های دولت و سیاست خارجی کشور محسوب شود.

### پرسش

#### ۱۴. چرا حضور حداکثری در انتخابات یازدهم اسفند مهم است؟

مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه و والایی برخوردار بوده و محور بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست و چراغ هدایت دولت و ملت را به دست دارد. مجلس، پایگاه اساسی نظام و مردم و مایه حضور و مشارکت واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و مظهر اراده ملی است. امری که اهمیت انتخابات مجلس را آن هم در برهه حساس کنونی و نقش پررنگ دشمن در کاهش مشارکت با سیاه نمایی و برنامه ریزی‌های چراغ خاموش دوچندان کرده است.

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری روز جمعه ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۲ در سراسر کشور برگزار خواهد شد؛ انتخاباتی که هم داوطلبان و کاندیداها برای حضور و مشارکت در آن

و هم مسئولان و دست اندرکاران برگزاری آن از مدت‌ها قبل برای آن برنامه ریزی کرده اند؛ اما در کنار این برنامه ریزی‌ها و ثبت نام از کاندیدها و تلاش برای صلاحیت سنجی‌های قانونی و شرعی و عرفی و اخلاقی، دشمن هم به خوبی در حال طرح ریزی است تا در هر مرحله با ایجاد شکاف میان مردم و سیاسیون و مسئولان و با سیاه‌نمایی و ایجاد ناامیدی و نفرت پراکنی در میان احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی، فضای کشور را در روزهایی که پر افتخارترین روزهای ملت و نظام به شمار می‌رود متشنج کند.

از سویی دیگر دشمن درصدد است با ایجاد ناامنی سیاسی، بحران‌ها و دعوای حزبی و ناکارآمد نشان دادن نظام و دولت و کوچک کردن دستاوردهای مهم در حوزه‌های مختلف از بهداشت و سلامت تا روابط بین‌الملل و دستاوردهای نظامی و دفاعی و استراتژیک، مشارکت مردم را بی‌ارزش نشان داده و با تحریم شرکت در انتخابات سبب کاهش استقبال مردم شود. چراکه به خوبی به اهمیت مشارکت عمومی در انتخابات؛ آن هم انتخابات این دوره واقف است.

باید هوشیار و بیدار بود تا برای افزایش مشارکت در انتخابات، پیش‌زمینه‌هایی از جمله امیدآفرینی و نشاط سیاسی در جامعه تقویت شود و فضا برای رقابت سالم همه گروه‌ها و احزاب سیاسی فراهم باشد تا دشمن نتواند از هیچ دریچه‌ای ورود کرده و سو استفاده کند.

این در حالی است که حضور فعال و مشارکت عمومی در انتخابات، قطعاً و حتماً، نشاط سیاسی و استحکام پایه‌های نظام را در پی دارد و با کوتاه کردن دست دشمنان حقیقی و دوست‌نما، آن‌ها را از تضعیف وحدت و استقلال نظام اسلامی ناامید می‌کند. چراکه به خوبی دریافته‌اند، اگر مردم امیدوارانه و فعال، مشارکت بالایی در سرنوشت خود داشته باشند آن‌ها دیگر نمی‌توانند نظام سیاسی را برای تاثیرات مستقیم بر فرهنگ و اقتصاد و امنیت و اجتماع به هر سویی بکشانند و این خود مردم هستند که مسیر

نظام و انقلاب را همانند این چهل و اندی سال به سوی پیشرفت، آبادانی و توسعه رقم خواهند زد. آینده‌ای که اگر مشارکت‌ها پایین بیاید دست و زبان دشمن را برای دخالت‌ها دراز می‌کند، دشمنی که به خوبی نقش بی‌بدیلش در آشوب آفرینی‌های پاییز گذشته و از تلاشش برای تجزیه و تکه تکه کردن ایران عزیز آگاهیم.

از طرفی مجلس، نقش بی‌بدیلی در تقویت نظام و انقلاب داشته و جزو سرنوشت سازترین انتخابات از ابتدای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران تاکنون بوده است؛ انتخاباتی که حالا با ورود نسلی که فاصله زمانی بسیاری با رویداد مهم و جهان شمول انقلاب دارند برای تصمیم‌گیری در سرنوشت ملت؛ شرایط تا حدودی تغییر می‌یابد. نوجوانان و جوانانی که پدران و مادرانشان در کوچه پس‌کوچه‌های منتهی به انقلاب شعار «یا مرگ یا خمینی» و «مرگ بر شاه» سر می‌دادند تا بتوانند چنین روزهای پرافتخاری را شاهد باشند لذا نه انقلاب را درک کرده و دیده‌اند و نه تصویری از روزهای پرفراز و نشیب آن برای دستیابی به ایران مقتدر و مستقل و تکیه زده بر قله‌های رفیع علم و دانش امروز دارند. افتخاراتی که قطعاً بدون مجلس و نمایندگان دلسوز قابل تحقق نبوده است.

با این اوصاف روشن است که انتخابات مجلس شورای اسلامی به دلیل نقش بی‌بدیل آن در تقویت نظام جمهوری اسلامی جزو مهم‌ترین و سرنوشت سازترین انتخابات از ابتدای انقلاب تاکنون بوده و هست.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «انتخابات و مجلس شورای اسلامی مهم است. مجلس قوی و با ایمان و انقلابی که این آرمان‌ها را بفهمد و بشناسد و به آن پایبند باشد، مهم است و نبودن چنین مجلسی، یا ضعیف بودن آن، یا اختلال در آن، برای ملت یک خسارت و خسران بزرگ است»<sup>۱</sup>. از عمق

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۴/۱۲/۰۱.

تلاش دشمن برای مقابله با انتخابات باید به اهمیت و لزوم مشارکت عمومی در آن پی برد. چنانچه در تلاش است با همه زور و زر خود و همه پیاده نظام و قرارگاه فرماندهی کفر خود حضور مردم در انتخابات را کاهش دهد و در این مسیر از هر نوع سوء استفاده تبلیغاتی بهره می برد.

ایشان در جای دیگری می فرمایند: «ملت ما، باید امکان سوء استفاده های تبلیغاتی را به دست دشمنان ندهد. دشمنان می خواهند ما در انتخابات شرکت نکنیم؛ دشمنان می خواهند که ما انتخاباتمان چشمگیر نباشد؛ دشمنان می خواهند چنین وانمود کنند که ملت، رغبتی به انتخابات و به کارهای مربوط به مجلس و مسائل اساسی نظام ندارد. شما باید این را تخطئه کنید و باید شرکت کنید»<sup>۱</sup>.

و در جای دیگری عنوان می کنند: «حضور مردم.. باید به گونه ای باشد که مشت محکمی به سینه دشمنان کوبیده شود»<sup>۲</sup>.

بدینوسیله انتخابات با اهمیت دادن به شعور سیاسی ملت، موجب تقویت پایه های مردمی نظام جمهوری اسلامی می شود و میدان را برای فعالیت سلیقه های جدید باز کرده و فرصت طرح دیدگاه های مختلف را فراهم می آورد. این امر به نوبه خود باعث می شود مردم به نظام سیاسی خودشان اعتماد کنند و آن را از خود بدانند و در مصائب و شدائد، پشتیبان آن باشند.

از طرفی هر انتخاباتی به تناسب موقعیت زمانی و چگونگی تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره، حائز اهمیت است. انتخابات دوازدهم مجلس هم با توجه به اوضاع بین المللی و منطقه ای، وضعیت و صف بندی جریان ها و گروه های سیاسی داخلی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که انتظار

۱. مصاحبه در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب، ۱۳۷۷/۲/۱۷.

۲. بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسؤولان و اقشار مختلف مردم از سراسر کشور، ۱۳۶۸/۴/۱۵.

می‌رود جامعه نخبگانی دانشگاه به عنوان یکی از گروه‌های مرجع جامعه همچون همه عرصه‌ها از بدو پیروزی انقلاب تاکنون پیش‌تاز حرکت‌های مهم و تاریخ ساز بوده در این برهه حساس و سرنوشت ساز ضمن حضور فعال در عرصه رقابت‌های انتخاباتی و شرکت در انتخابات که آزمون سیاسی خداوند در ازاء نعمت پیروزی انقلاب اسلامی از مردم ایران به شمار می‌آید آحاد جامعه را به حضور پرشور و دشمن شکن در انتخابات ۱۱ اسفند دعوت نمایند و با انتخاب گزینه‌های شایسته برای مجلسین شورای اسلامی و خبرگان رهبری، به تداوم عزت نظام جمهوری اسلامی و خدمتگزاری کارگزاران لایق به این ملت سرافراز رای قاطع بدهند.





## مهم ترین شبہات پیرامون انتخابات



### فصل دوم







انتخابات و مجلس شورای اسلامی، دو نهاد مهم و مؤثر در نظام جمهوری اسلامی ایران هستند که نشان دهنده مردمسالاری دینی، اقتدار ملی و نوسازی نظام هستند. اما برخی از دشمنان و مخالفان نظام اسلامی سعی دارند با ایجاد شبهات و افتراهای مختلف، با کاهش مشارکت مردم، انتخابات مجلس را ضعیف و ناکارآمد جلوه دهند. برخی از مهم‌ترین شبهات پیرامون انتخابات و مجلس ایران و پاسخ‌های آنها در این بخش مرور می‌شود.

#### پرسش

۱۵. انتخابات ما ادای دموکراسی خواهی غربی‌هاست، اصلاً آیا اسلام انتخابات را به رسمیت می‌شناسد؟

گفته شده است که در حکومت اسلامی اگرچه در تعیین حاکم، نقش مردم مشخص و معین است اما نپذیرفتن نظام اسلامی توسط مردم، آن را از اعتبار نمی‌اندازد. در توجیه این استدلال نیز گفته شده است که نظام اسلامی مبتنی و موظف به رشد ایمانی مردم است و برای درک آن به قرآن استناد شده است.

«همه جا در عرف قرآن حکومت خدایی، حکومت موسی، حکومت پیامبران، حکومت مردم است و مردمند که حکومت می‌کنند».

همچنین واژه مشارکت سیاسی در میراث دینی و متون فقهی ما وجود ندارد. برای درک مفهوم انتخاب و مشارکت سیاسی در مفاهیم دینی باید آن را در کلید واژه‌های دیگری جستجو کرد. ترکیب واژگانی چون اراده جمعی، مشروعیت مردم، شورا و مشورت، از این دست واژه‌ها هستند و فقدان برخی واژگان امروزی مرتبط با موضوع انتخابات در متون دینی ما به معنای بی‌اعتقادی به نقش مردم در تعیین حاکم نیست.

۱. اراده جمعی: آیه الله عمید زنجانی، مفاهیمی که بیانگر مفهوم مشارکت سیاسی- اجتماعی است را با هفت عنوان زیر مشخص و معرفی کرده است که عبارتند از: ۱- اراده جمعی ۲- اطاعت از خدا، رسول و اولی الامر ۳- واجب کفایی ۴- امر به معروف و نهی از منکر ۵- نصیحت رهبران جامعه ۶- رضایت عمومی ۷- بیعت. ایشان در باره مفهوم اولی یعنی اراده جمعی می‌نویسد اراده جمعی انسانها در متون اسلامی از آیه شریفه **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾**، استنباط می‌شود؛ چرا که در این آیه، اراده جمعی به عنوان یک عامل مستقل در برابر اراده خداوند مطرح شده است و منافاتی با توحید هم ندارد. چون این حاکمیت اراده جمعی، از اراده تشریحی ازلی و الهی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت که این آیه حاکی از اراده تکوینی خدا در حوزه جامعه سیاسی است.

۲. مشورت: یکی از مفاهیمی که به واسطه آن می‌توانیم مبحث مشارکت سیاسی را برپایه مبانی فقهی دنبال کنیم مفهوم مشورت است؛ پس باید این پرسش را مطرح کنیم که شهروندان تا چه اندازه در مشروعیت بخشی نظام سیاسی نقش دارند تا به تبع آن، میزان مشارکت

و نوع مشارکت و حساسیت مشارکت آنان در فقه بهتر فهم شود. برای درک بهتر موضوع از مفاهیمی همچون «مشروعیت» و «مشورت» بهره خواهیم برد. همان طوری که برخی از صاحب نظران چنین کرده‌اند و گفته‌اند «شورا و مشارکت، راهی است که امت از اندوخته‌ها و نظرات فرزندان خود استفاده کند و محروم کردن مردم از آن نظرات، ظلم و ضرر زدن به آنها است و اینان مصلحت عامه را بهتر تشخیص می‌دهند».

۲/۱. مشروعیت: مردم، در دیدگاه اسلام، چه رکنی از ارکان مشروعیت را تشکیل می‌دهند؟ آیا پایه مشروعیت حکومت در اسلام مانند تفکر سیاسی غرب فقط رأی اکثریت مردم است؟ در پاسخ گفته شده است که در اسلام مردم یک رکن مشروعیت هستند، نه همه پایه مشروعیت، (چون) نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگر یعنی تقوا و عدالت استوار است. (بنابراین) اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام، حکومت او، حکومت نامشروعی است.. اگر حکم به قسط و به عدالت نکرد، هرکس که او را انتخاب کرده، نامشروع است. این موضوع در همه رده‌های حکومت صدق می‌کند نماینده مجلس هم، نیازمند تقوا و عدالت لازم است؛ چون او هم جزء دستگاه قدرت است». نتیجه این که: پایه مشروعیت حکومت فقط رأی مردم نیست، پایه اصلی، تقوا و عدالت است؛ منتها تقوا و عدالت بدون رأی و مقبولیت مردم کارایی ندارد. پس رأی مردم هم لازم و تعیین کننده است. اما نسبت به آن انسانی که دارای معیارهای لازم هست اگر معیارهای لازم در آن انسان نباشد انتخاب نمی‌تواند به او مشروعیت بدهد؛ بنابراین معیارهایی همچون تقوا، دین، عدل، آشنایی با اسلام، اسلام شناسی باید باشد تا آن کسی که می‌خواهد جامعه را به اسلام راهنمایی کند توان این کار را داشته باشد؛ بعد از این معیارها نوبت

به رأی و مقبولیت مردمی می‌رسد. بنابراین تعریف مشروعیت در فقه اسلامی به معنای «مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلام است. یعنی حکومت و حاکمی مشروع است که پایگاه دینی داشته باشد».

این که مردم در کدام مرحله از مراحل تعیین حاکم و مشروعیت بخشی او نقش ایفا می‌کنند گفته شده است که حکومت در اسلام و تعیین حاکم سه مرحله دارد که در برخی از این مراحل سه گانه، مردم نقش ایفا می‌کنند نه در همه مراحل؛ اما توضیح مطلب این که «۱- مرحله اول، مرحله جعل معیار است. گفته شده است که در این مرحله، مردم نقشی ندارند؛ چون جعل معیارها بر عهده شارع مقدس است و اوست که این معیارها را بیان کرده است. بنابراین معیارها را از شرع اتخاذ می‌کنیم ۲- تعیین مصداق؛ مرحله دوم، مرحله تعیین مصداق برای مفاهیم و معیارهای جعل شده توسط شارع مقدس است در اینجا مردم نقش دارند؛ البته با یک قید و آن اینکه چون شناخت این عناوین و معنون (یعنی کسی که این عناوین مربوط به اوست) به مقدماتی احتیاج دارد که هرکسی بدون این مقدمات وارد این مرحله شود جز ضلالت خود و خطای خود و دیگران نخواهد داشت به همین دلیل مسأله خبرگان مطرح می‌شود. پس این مرحله، مرحله تطبیق مفهوم با مصداق و تعیین معنون به عناوین شد که مردم در این مرحله می‌توانند نقش ایفا نمایند و البته به کسی که او در این کار صاحب تشخیص است مراجعه می‌کنند ۳- مرحله سوم، مرحله قبول مردم است. در این مرحله، نقش مردم، نقش تعیین کننده دارد. البته نقش مردم نه از باب یک حکم شرعی بلکه از باب یک واقعیت خارجی که مصلحت‌هایی را برای ما ایجاد و مطرح می‌نماید تعیین کننده است. پس مرحله سوم، مرحله پذیرش، تسلیم و تبعیت مردم است. امام خمینی نیز در پاسخ به شرط اعمال ولایت از سوی فقیه جامع الشرایط و نقش مردم در تشکیل حکومت می‌گویند؛

فقیه جامع الشرایط، ولایت در جمیع صور دارد. لکن تولى امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین، که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است، و در صدر اسلام به بیعت با ولّی مسلمین تعبیر می‌شده است.

۲/۲. شورا و مشورت: با ارائه دو مقدمه کوتاه بحث مشورت را دنبال خواهیم نمود:

**الف:** مقدمه اول این که؛ در یک نگاه اجمالی به کتاب و سنت پیرامون اصل شورامی توان مستنداتی از قرآن و روایت ارائه کرد، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹ «**وشاورهم فی الامر**»، و سوره شوری، آیه ۳۸ «**وامرهم شوری بینهم**»؛ و کلام حضرت علی علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه که این چنین توصیه می‌کند: «نظرات متخصصان را جمع آوری کن و سپس نزدیک ترینش را به صواب و دورترین آنها را از شک و شبهه انتخاب نما» و همچنین سخنان عالمان دینی از جمله سید جمال الدین اسدآبادی که می‌گوید چگونه شخصی را خداوند سرپرست یک ملت می‌سازد و زمام امور را به وی می‌سپارد که مصالح کامل آن در تحت فرمان و اراده وی باشد و او بی‌نیاز از مشورت باشد. بی‌تردید این فرد به مشورت و استفاده از آرای عقلاً از همه محتاج‌تر است. اندازه نیاز او به مشورت متناسب با گستره ساحت سلطه وی است؛ به همین جهت خداوند، نبی خود را با آن که معصوم از خطاست چنین تعلیم و ارشاد می‌نماید «**وشاورهم فی الامر**». همه این سخنان اعم از کلام خدا، معصومین و اندیشمندان مسلمان، همه درباره لزوم مشورت حاکم و در باب امر به شوری قابل استناد است. برخی گفته‌اند اولاً که شورا و مشورت یکی از اصول بدیهی و ضروری اسلام است؛ ثانیاً در دلالت آن باید گفت که سند و دلیل اصالت مشورت در مکتب اسلام هم عقل است و هم نقل. با این که مشورت و آراء اکثریت (بلکه اتفاق آراء) مستلزم وصول به واقعیت‌هانیست، ولی مسأله مشورت مسأله‌ای است بدیهی

و غیر قابل تردید و این مسأله (عدم وصول به واقعیت) ضرری به اصالت مشورت وارد نمی‌آورد؛ زیرا خداوندی که وصول به واقعیت‌ها را خواسته است قانونی برای این وصول نیز تعیین کرده است که یکی از آن قوانین، قانون شورا است. بنابراین شرکت دادن عموم مردم در شور و مشورت اولاً با ماهیت شورا که معمولاً در باب مسایل مهم است سازگاری دارد. ثانیاً با هدف و غایت شورا که به دست آوردن بهترین عقیده است تناقضی ندارد.

**ب:** مقدمه دوم این است که، برخی نیز مهم‌ترین مبانی دینی مشارکت را در پنج چیز خلاصه کرده‌اند که عبارتند از:

۱- اصل نفی سلطه؛ براساس روایت النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ سه نوع استدلال می‌کنند:

**الف:** اصل نفی سلطه مساوی است با نفی حکومت؛ یکی این که اصل نفی سلطه یعنی نفی سلطه حکومت بر افراد. در این صورت از حکومت جز اسمی نمی‌ماند و مفاسدش به جامعه برمی‌گردد.

**ب:** اصل نفی سلطه مساوی است با نفی مشارکت سیاسی مردم، دوم این که گفته شود اصل نفی سلطه فردی را کنار گذارده و به مقتضای حکومت تن داده شود؛ که در این صورت به نفی مشارکت سیاسی مردمی منتج می‌شود.

**ج:** سوم این که جمع هر دو باشد. یعنی حکومت از طریق مردم و با انتخاب مردم برگزیده شود؛ در نتیجه هم حکومت از اختیارات لازم بهره‌مند است و هم با سلطه مردم معارض نخواهند بود؛ چون مردم با مشارکت مختارانه خود از سلطه فردی کوتاه آمده‌اند.

۲- خلافت عامه انسان (براساس آیه **﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾** استدلال می‌کنند که با تفسیری که از خلافت عامه انسان شد، در عصر غیبت

مشارکت مردمی و سیاسی در عالی‌ترین سطوح تحقق یافته است).

۳- نیاز طبیعی: سومین مبنای مشارکت مردمی نیاز طبیعی است

۴- شوری

۵- امر به معروف و نهی از منکر؛ براساس این اصل مردم نه تنها حق مشارکت بلکه وظیفه دارند که در مسایل اجتماعی در همه سطوح و در همه مسایل مشارکت کنند.

### پرسش

۱۶. این همه مشکل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، مگر رأی دادن ماتغییری در وضعیت کشور هم ایجاد می‌کند؟

این شبیهه، حاصل نگاهی سطحی و کوتاه بینانه به انتخابات و مجلس است که از ائتلاف فرصت‌ها و کاهش پتانسیل‌های نظام اسلامی و مردم غافل است. حال آنکه که انتخابات و مجلس، نقش مهمی در تعیین سرنوشت کشور و مقابله با توطئه‌های دشمنان دارد و اگر مردم با حضور پرشور و هوشمندانه خود، نمایندگان و مسئولانی را انتخاب کنند که دارای ایمان، اخلاق، کفایت، تجربه، انسجام و تعهد به مصالح کشور و مردم باشند، می‌توانند تغییرات مثبت و ماندگاری را در وضعیت کشور ایجاد کنند.

با کسانی که به دلیل برخی مشکلات اقتصادی کشور با صندوق‌های رای قهر کرده‌اند سخنی نیست؛ مشکلات اقتصادی و بی‌تدبیری در دوره‌های قبل به انتخابات کنونی ربطی ندارد و به انتخاب اشتباه مربوط است. راه‌حل این موضوع در انتخاب گزینه‌های بهتر در انتخاب بعدی است. مگر در صورت نارضایتی از مدرسه یا عملکرد پزشک کلا آموزش و درمان کنار گذاشته می‌شود یا راه‌حل آن جایگزینی افراد است؟

## پرسش

## ۱۷. بارأی دادن وضعیت بهتر نمی‌شود چرا رای بدهیم؟

بی‌تأثیری انتخابات در بهبود شرایط کشور، یکی از شبهات پر بسامد این روزهاست. در تلاشیم تا با شفافیت کامل و واقع‌نگری پاسخی به این شبهه ارائه شود:

۱. اولین نکته و شبهه این است که آیا با عدم شرکت در انتخابات، وضعیت بهبود می‌یابد یا بدتر می‌شود؟ عده ای به دلیل برخی مشکلات اقتصادی فعلی کشور، تصور می‌کنند اگر رای ندهند جمهوری اسلامی سقوط می‌کند. همچنین پس از آن، حکومتی ایده آل جایگزین می‌شود و مردم از مشکلات رها شده و دلار و مسکن و خودرو به قیمت‌های قبل باز می‌گردد و...!!!! اما واقعیت این است که عدم شرکت در انتخابات اتفاقاً خسارت‌های جبران ناپذیری به مردم وارد می‌کند. کمترین سود مشارکت در انتخابات با فرض انتخاب نمایندگان ضعیف هم این فایده بزرگ را خواهد داشت که «امنیت» مردم تامین خواهد شد؛ چرا که امنیت در پرتو قدرتمند بودن نظام جمهوری اسلامی است و قدرتمندی نظام نیز از حمایت و پشتیبانی مردم نشأت می‌گیرد.

اما در صورت مشارکت حداقلی در انتخابات، قطعاً فرصت اقدامات توطئه‌گرانه و شوم برای دشمنان ایران، فراهم خواهد شد. زیرا با دریافت

عمدتاً قهر کردن و پاک کردن صورت مسئله، راهکار افراد ضعیف است. باید تلاش شود تا به‌جای قهر کردن با صندوق، با افزایش دقت و انتخاب صحیح، وضع موجود سامان یابد و اوضاع بهبود بخشیده شود.



سیگنال تضعیف حمایت مردم از نظام آنها تمام تلاش خود را برای حمله به ایران و سلطه مجدد بر کشور، مردم و منابع انجام خواهند داد. در این صورت آیا مردم ایران متضرر اصلی آن نخواهند بود؟ آیا تجربه مردم ایران در اشغال اوایل ۱۳۲۰ و قتل و جنایت‌هایی که اشغالگران به دلیل ضعف دولت ایران انجام دادند؛ قابل فراموش است؟ آیا حمله صدام به ایران در سال‌های اولیه جنگ، با فرض ضعف نظام و خسارت‌های خونین آن فراموش شده است؟ آیا در اغتشاشات ۱۴۰۱، دشمنان تصور نکردند که مردم به سبب شرایط اقتصادی از نظام حمایت نخواهند کرد و خسارت‌های زیادی بر مردم و کشور وارد کردند و مدتی امنیت کشور از دست رفت؟ بنابراین تاریخ به ما درس مهمی می‌دهد که هرگاه، دشمنان، احساس ضعف نظام و دولت مرکزی داشته‌اند، کشور را دچار خسارت‌های سنگین نموده‌اند.

بنابراین در کمترین فرض، با مشارکت در انتخابات، امنیت مردم تامین خواهد شد؛ امنیتی که همه امور زندگی به آن وابسته است. امنیت، آخرین نقطه و خط قرمز برای مردم محسوب می‌شود؛ چرا که با فقدان آن، تقریباً تمام فعالیت‌های جامعه تعطیل خواهد شد. نگاهی به برخی از کشورهای همسایه، به خوبی نشانگر اهمیت امنیت است.

۲. اما راه چاره چیست؟ با توضیحات فوق، مشخص شد با شرکت در انتخابات، امنیت برای کشور تامین خواهد شد اما برای اینکه وضعیت کشور نیز بهبود یابد، فقط یک راه وجود دارد انتخاب افراد اصلح. اگر با شرکت در انتخابات، به فرض وضعیت بهتر نمی‌شود علت آن عدم انتخاب افراد اصلح است. البته با توجه به نوع نظام، که مبتنی بر نقش مردم و انتخاب افراد توسط آنها است رویدادها و پیشرفت‌های بسیار خوبی صورت گرفته ولی قطعاً هر چه افراد اصلح بیشتری انتخاب شوند، وضعیت بهتر خواهد شد. پس برای تامین امنیت و پیشرفت کشور و رهایی از مشکلات اقتصادی، علاوه بر مشارکت حداکثری در

انتخابات، مردم باید با تحقیق و پرس و جو از افراد مختلف و تحقیقات مختلف، افراد اصلح را انتخاب نمایند.

۳. نکته سوم که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد این است که جوانهای بسیاری برای محافظت از کشور، برای امنیت مردم، جان خود را برای آن هدیه کرده‌اند حال اگر در انتخابات شرکت نشود و برای کشور مشکلاتی پیش آید واقعاً در قیامت چگونه باید پاسخ آنها را داد؟ آنها برای حفظ کشور خون خود را دادند اما ما زحمت انداختن یک رای در صندوق را به خود ندادیم!!!

### پرسش

۱۸. برخی می‌گویند در کشوری که آزادی نیست و نامزدهای انتخاباتی توسط شورای نگهبان و دیگر مراجع نظارتی فیلتر و عملاً تعیین می‌شوند، رأی دادن چه معنا و ارزشی دارد؟

این شبهه، نتیجه تعریف غلط و تک بعدی از آزادی و انتخابات است که از منظر دیدگاه‌های غربی و لیبرال است و از اصول و معیارهای اسلامی و انقلابی تهی است. در حالی که آزادی در نظام اسلامی به معنای انتخاب درست و مطابق با ارزش‌ها و مصالح دینی و ملی است و انتخابات نیز به معنای انتخاب مسئولانی است که متعهد به قانون اساسی و نظام اسلامی هستند. بنابراین، شورای نگهبان و دیگر مراجع نظارتی وظیفه دارند تا از ورود افرادی که با این معیارها سازگار نیستند به میدان انتخابات جلوگیری کنند و این کار نه تنها تضییع حق مردم نیست، بلکه بالعکس، حفظ حق مردم و نظام اسلامی است.

## ۱۹. آیا رسانه‌های خارجی و فضای مجازی درباره انتخابات ایران دروغ می‌گویند؟ آیا واقعاً انتخابات ایران در سلامت برگزار می‌شود؟

یکی از نکاتی که همواره در خصوص انتخابات مطرح می‌شود، بحث سلامت انتخابات است یعنی اینکه افراد مطمئن شوند و اعتماد کنند که این انتخابات از سلامت برخوردار است. تمامی انتخابات‌های برگزار شده در جمهوری اسلامی ایران از گذشته تا کنون با حضور ناظران داوطلبین و ابزارهای نظارتی و همچنین فرایند تعریف شده اخذ رای از مصونیت بالایی برخوردار بوده است. اما نباید انکار کرد که در شعبه اخذ رای، گاهی تخلفاتی محتمل رخ دهد. مانند حضور افراد سودجو جهت تبلیغ در صفوف مراجعین، یا اقدام پنهانی و خلاف قوانین و موازین اخلاقی که در این حالت، کلیه اعضای شعبه اخذ رای در برابر اقدام مشهود مسئولیت دارند، اما در نهایت، وجود تخلفاتی که بتواند نتایج کلی انتخابات را تغییر دهد بعید است. آنچه قابل طرح است فارغ از برگزاری انتخابات سالم، وجود فضای سالم انتخاباتی است.

مسئله حفظ سلامت انتخابات و فضای انتخابات، بسیار مهم است. فضای انتخابات لازم است از سلامت کافی برخوردار باشد و این یک وظیفه به شمار می‌رود. فضای انتخاباتی می‌بایست زمینه ساز یک رقابت سالم باشد؛ به مثابه مسابقه افراد که باید به طور قوی و سالم با یکدیگر به رقابت بپردازند. مانند دو تیم با یکدیگر خوب بازی و فعالیت کنند. پس اصل اول در ایجاد فضای رقابتی سالم و مهم‌ترین آن مشارکت عمومی است که پراهمیت است. یکی از مزایای مشارکت حداکثری در انتخابات، زمینه سازی فضاسازی سالم انتخابات است. حتی حضور افرادی که به نظام اسلامی اعتقادی ندارند، نیز در انتخابات بسیار حائز اهمیت است. انتخابات جمهوری

اسلامی ایران نه صرفاً با شاخصه‌های بومی بلکه بر طبق معیارهای متعارف بین‌المللی از بهترین و سالم‌ترین انتخابات، با نصاب شرکت بالای مردم بوده است اما علی‌رغم تأکید بر وجود چنین فضایی شاهد ایفای نقش و دخالت فضای مجازی و تأثیر آن بر افکار عمومی هستیم. فضای مجازی بر مولفه‌هایی چون میزان مشارکت تأثیر مستقیم دارد. موثرترین و کم‌هزینه‌ترین اقدام دشمنان انقلاب اسلامی برای تأثیرگذاری بر انتخابات، دخالت از طریق فضای رسانه‌ای و مجازی است. پس اگر چنین استنتاج کنیم که فضای انتخاباتی می‌تواند به یک فضای جنگی تبدیل شود بیراهه نگفته ایم. لزوم شناخت ما به انتخابات و داوطلبین و همان فضای انتخاباتی، میدان جنگ شناختی را هم نفوذپذیر می‌کند. جنگ شناختی یکی از پدیده‌های بسیار مهم با خاصیت سرعت و تغییر است که با ارتباط‌دهی مغز انسان و جنگ شناختی می‌تواند وجه متمایز میدان عمل را از جنگ دانشی، جنگ اطلاعاتی یا جنگ سایبری تفکیک کند. جنگ شناختی به دنبال کنترل جریان اطلاعات است که به تبع آن بر خوانش مخاطبان اثر بگذارد. توانایی ایجاد آگاهی از وضعیت، عامل اصلی کنترل و موفقیت در این کارزار است.

نبرد، نبرد اعتماد و تلاش برای حقیقت است که محوریت دارد. تمامی تلاش جنگ شناختی برای مدیریت ادراک است و کارکرد ادراک‌سازی پیدا کرده است، بر این اساس، جنگی پنهان و چندلایه در عرصه تصویرسازی از حقیقت و ادراک‌سازی برای انسان‌ها با هدف دستگیری ابتکار عمل در مدیریت افکار عمومی وجود دارد. بهره‌گیری از هوش مصنوعی و الگوریتم‌سازی در شبکه‌های مجازی و استفاده از علوم عصب‌شناختی و رفتاری مبتنی بر الگوهای مدیریت ادراک در حوزه جنگ شناختی تعریف می‌شوند. تبلیغات سیاسی دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ در آمریکا را بایستی نقطه عطفی در تاریخ تبلیغات سیاسی و همچنین بهره‌برداری از داده‌های رفتاری در جهان دانست. این اولین تبلیغات سیاسی بود که در آن از تحلیل دیتای

بزرگ و پوشش رسانه ای گسترده مبتنی بر دیتا استفاده شد، امری که سابق در امور تجاری فعال بود پا به عرصه سیاست گذاشت و تبدیل به یک روند در حوزه جنگ شناختی شد. در قلمرو حوزه جنگ شناختی اعم از علوم ریز عصب شناختی، ابزارهای تصویربرداری عصبی و دستکاری عصبی و سایبری، هوش مصنوعی، تبلیغات سیاسی هدفمند، پردازش زبان طبیعی برای هدف قرار دادن احساسات، فناوری دیپ فیک<sup>۱</sup> و. از مدل‌های مختلف ابزاری این حوزه هستند. حال با اذعان به اهمیت فضای مجازی و رسانه‌ها چگونگی اداره حوزه شناختی و آگاهی موقعیتی در حوزه شناختی بسیار با اهمیت به نظر می‌رسد. اخبار و داده‌های جعلی در رقابت‌های انتخاباتی که به طور گسترده در فضای مجازی مطرح می‌شود اهداف اصلی برای تولید کنندگان این اخبار دارد، و البته این موضوع، خود یکی از مباحث مهم امنیت انتخابات را شامل می‌شود. پس با قرار گرفتن در این موقعیت چه عملی باید انجام داد؟ در چنین فضایی چه درکی به کار می‌آید؟ در برابر چالش‌های اصلی مدیریت ادراک و تلاش نفوذ در ادراک می‌بایست بهره‌برداری از حقیقت مورد غفلت قرار نگیرد. در این بین می‌بایست به صورت دیده بانی خبر یا دروازه‌بانی، بین اخبار تفکیک و تمایز قائل شویم. با استناد به اصول سواد رسانه صحیح می‌بایست در اخبار دقت نظر نمود.

اما این که چگونه می‌توان در برابر اخبار واقعی مواجهه داشت سه نکته و مولفه دیده بانی مهم است. این که چه منبعی، این محتوا را به اشتراک گذاشته است؟ انتشار این محتوا با کدام هدف اعلامی یا پنهان صورت گرفته است؟ چه جریان‌ها یا افرادی از انتشار این محتوا سود می‌برند؟.. لذا می‌بایست عنوان خبرها با کمی شک دیده شود و با محتوا تطبیق شود.

۱. دیپ فیک DeepFake یک تکنولوژی مبتنی بر هوش مصنوعی است که برای تولید ویدئوهای تقلبی از تصاویر و صداها پایه استفاده می‌کند. این تکنولوژی قادر است به طور خودکار صورت یک فرد را در یک ویدئوی دیگر جایگزین کند و حتی صدای او را نیز تغییر دهد.

چنانچه ساختارهای نامتعارفی وجود دارد اشکال آن مورد توجه قرار گیرد، به عکس‌ها توجه شود، به تاریخ گزارش توجه شود، شواهد مورد بررسی قرار گیرد. نبود هیچ منبعی از نویسندگان می‌تواند از نشانه‌های جعلی بودن خبر باشد. اما پرسش‌های اساسی در خصوص انتشار یک محتوای ضد انقلابی یا ضد انتخاباتی که در اذهان باید سوال شود: جریان‌ها یا افرادی که از انتشار این محتوا سود می‌برند چه کسانی هستند؟ این نکات اساسی می‌تواند سهم بسزایی در فضای مجازی با هدف جلوگیری از تاثیرگذاری مخرب آن روی اذهان داشته و مفید فایده واقع شود. پس دیده بانی خبر در فضای مجازی، نکته مهمی است که ما با آن در ایام انتخابات مواجه هستیم و می‌بایست علاوه بر آگاهی خود، مهارت دیده‌بانی خبر را در اختیار جامعه هم قرار دهیم. اگرچه چهار اصل بنیانی به عنوان پیشنهاد سیاست عمومی از دولت و ملت مورد انتظار است: ۱- آشکارسازی پیام‌رسانی سیاسی که کاربران بدانند چه کسی پیام سیاسی را برای آنان ارسال می‌کند ۲- کنترل الگوریتم‌های انتخاب محتوا که بدون تعصب و لزوم ارتقاء و نوآوری فناورانه نباید حالت‌های ذهنی شدید، توهم یا وسواس با محتوای اطلاعاتی متفاوت ایجاد کند ۳- مقابله با سوءاطلاعات که کشور باید به طور فعالانه از تمامیت گفتمان سیاسی داخلی خود در برابر ضداطلاعات محافظت کند و با توانایی و ظرفیت کنشگری، نفوذ خارجی را کاهش دهد ۴- مقابله با عملیات فریب سیاسی دشمن که اگر کنشگران شرور بتوانند مقیاس‌ها را به نفع کنشگر سیاسی خاص یا کشور متخاصم تغییر دهند ساخت سیاسی و امنیت ملی در خطر است و باید اقدامات لازم برای جلوگیری یا مسدود کردن عملیات فریب سیاسی یا عدم کارایی آن‌ها انجام شود.

## ۲۰. دشمنان در رسانه هایشان تبلیغ می‌کنند که جمهوری اسلامی به حضور زنان در عرصه سیاست و اجتماع بهانه می‌دهد!

اتفاقاً بر خلافت تبلیغات غرب؛ زنان در شبکه قدرت ایران پس از انقلاب اسلامی- به خصوص در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی- حضوری فعال از حیث کمی و کیفی داشته‌اند. حتی می‌توان از نقش آفرینی زنان در سامان دهی جامعه و ورود آنها در شبکه قدرت بر مبنای اسلام و نیز قوانین جمهوری اسلامی سخن گفت.

در اینجا این سوال مطرح است که آیا در فلسفه سیاسی اسلامی، زن یک انسان اجتماعی و سیاسی است که دارای قابلیت ایفای نقش فعال سیاسی و اشغال پست‌های مدیریتی بالای سیاسی است یا خیر و باید در محدوده مدیریت منزل دیده شده و به امر تربیت فرزندان پردازد و بیش از آن مسئولیت ندارند؟! مگر در شرایط خاص که آن را حاکم تعیین می‌کند؟ برای پاسخ به چنین سوالی از منظر فلسفه سیاسی اسلامی باید گفت: زن به مثابه انسان و به عنوان گروهی از افراد جامعه با حقوق و وظایف مشخص و خاص بوده و هیچ محدودیتی در واگذاری پست سیاسی وجود ندارد و تمام ظرفیت‌های فردی که در حیات مدنی برای مدنیت فرد و برخورداری از حقوق و تکالیف مدنی و پذیرش مدیریت مدنی در سطوح سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد در زن نیز قابل تطبیق است. اگر فارابی، انسان را موجودی مدنی می‌داند که نیاز به زیست مدنی دارد و کمالش متوقف بر مدنیت و کنش‌های مدنی است؛ این تعریف شامل هم جنس مرد و هم جنس زن است. «انسان از جمله انواع جاندارانی است که به طور مطلق نه به حوائج اولیه و ضروری زندگی خود می‌رسد و نه به حالات برتر و افضل؛ مگر از

راه زیست گروهی و اجتماعی گروه‌های بسیار در جایگاه و مکان واحد و پیوستگی به یکدیگر»<sup>۱</sup>.

مقام معظم رهبری هم درباره حضور زنان در صحنه می‌فرمایند: «اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید، موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد»<sup>۲</sup>. و باز در همان جا درباره نقش زنان در انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه عظیم ملی حضور نمی‌داشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمی‌شدیم»<sup>۳</sup>.

### پرسش

## ۲۱. چرا همه نمی‌توانند در انتخابات کاندیدا شوند؟ و باید از یک فیلتری رد شوند؟

در تمام نظام‌های حقوقی و سیاسی دنیا برای رسیدن افراد به قدرت، ضوابط و صلاحیت‌هایی مشخص شده و نهادهای نظارتی در این رابطه وجود دارد. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز نهاد شورای نگهبان مسئول بررسی صلاحیت‌ها و نظارت بر فرآیند برگزاری انتخابات است. و بررسی صلاحیت‌ها براساس قانون انجام می‌گیرد.

۱. سیاست مدنی، ص ۱۳۶.

۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۱۳۹۱/۴/۲۱.

۳. همان.



## ۲۲. چطور خیالمان راحت باشد که نظام، حق الناس را رعایت کرده و رأی ما مورد توجه قرار می‌گیرد؟

حق الناس از مهم‌ترین موضوعات مطرح در حوزه حقوق عمومی اسلام است. حق الناس، یک گزاره دینی و برآمده از آیات و روایات است. این موضوع فقهی وارد عرصه و حوزه‌های دیگر مانند حقوق، سیاست و انتخابات نیز شده است. حق الناس در عرصه انتخابات نمایانگر تحقق اجتهاد پویا در امر زمامداری یا حکمرانی است.

این موضوع در برگزاری انتخاباتی سالم و موثر نقش دارد و تأثیر نقش مردم را برجسته‌تر خواهد کرد. پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات، حفظ حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آرای مردم، حق الناس هستند. رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران و برخورد موثر با خاطیان نیز در راستای حق الناس است. حق الناس باید در تمامی مراحل انتخابات همچون ثبت‌نام، بررسی صلاحیت‌ها، تبلیغات، برگزاری آن و شمارش آرا رعایت شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران مبنا ارزشمندی کرامت انسانی است که در بند ششم اصل دوم قانون اساسی آمده است. این موضوع بیشتر صبغه فقهی دارد اما وارد ادبیات حقوقی و امر انتخابات نیز شده است.

از سوی دیگر در علم حقوق عمومی با موضوع شهروندی روبرو هستیم که با توجه به توسعه فضای مجازی و.. شاهد گسترش مباحث مربوط به حقوق شهروندی هستیم. چون اجتهاد و فقه ما پویاست، موضوع حق الناس به مباحث حقوق شهروندی نیز گسترش یافته است.

نظام‌های دینی اگرچه ممکن است در وضعیت حکمرانی با نظام‌های غیردینی اشتراکاتی داشته باشند، اما در مبانی متفاوتند. در هر نظامی

موضوع تزاخم و رفع آن وجود دارد؛ اما در نظام اسلامی رفع تزاخمی مطلوب است که بر مبنای عدالت و مصلحت شهروندان باشد. و ارزش انسان به ما هو انسان مدنظر است که با نگاه اومانستی تفاوت دارد.

در این اندیشه، مراجعه به فرد به عنوان یک عضو جامعه بر مبنای نگرشهای عرفی نیست، بلکه پذیرش حق رای به عنوان حق الناسف وجه ممیز اندیشه سیاسی اسلام با وضعیت‌های عرفی است.

در اسلام بعد از توحید، هیچ موضوعی به اندازه حق و عدل اهمیت ندارد. از نگاه اسلام، توحید تمام شئون زندگی انسان‌ها را در برمی‌گیرد؛ حق الناس نیز این‌گونه است. در روایات آمده است که پاسخ دادن به حق الناس در روز قیامت سخت‌تر از پاسخ دادن به حق الله است. بنابراین توجه به موضوع حق الناس - که شامل حقوق مالی و غیرمالی افراد است - مهم است.

کرامت انسانی، یکی از مبانی حق الناس است. منظور از کرامت نیز کرامت اکتسابی است؛ چرا که همگان از کرامت ذاتی برخوردار هستند. کرامت انسانی در راستای تکامل انسان است. احترام اجتماعی انسان و تمامی شهروندان باید حفظ شود. برای هر انسان باید این امکان فراهم شود تا مانند دیگران اثرگذار باشد. انسان باید از امکانات موجود برخوردار باشد تا بتواند به کمال مطلوب برسد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که حق کرامت از حقوق اساسی بشر است که به دنبال حقوق دیگری مثل حق رأی دادن قابل اثبات است.

دومین مبناى حق الناس، حق تعیین سرنوشت است. این حق در بحث آزادی مطرح است؛ بدین معنا که انسان بنده غیر و بالاجبار مطیع افراد دیگری نباشد. در نظام‌های حقوقی عرفی، حق رای به عنوان یک امتیاز بر پایه قانون، وضع شد. اما در اندیشه سیاسی اسلام این حق است که صاحب آن می‌تواند هم آن را اعمال و هم اسقاط کند.

به هر حال، «توجه به خواست مردم» و «صیانت از آراء آنان در انتخابات» همواره یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد توجه و تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده است. ایستادگی در مقابل توطئه «ابطال انتخابات» در سال ۸۸ یکی از جلوه‌های آشکار این مساله بوده است. پس از این انتخابات نیز رهبری با طرح کلیدواژه «حق الناس» بر ضرورت امانت‌داری نسبت به آراء مردم تأکید کردند؛ موضوعی که با برخی برداشت‌های نادرست و تکرارهای نابه‌جا روبرو شد و مقام معظم رهبری جهت تبیین صحیح آن، مباحثی را مطرح کردند. برای نمونه، در یکی از سخنرانی‌های خودشان به بحث امانت بودن رأی مردم و رعایت حق الناس اشاره و تأکید کردند: «من به این حضرات محترمی که مسئولان صندوق‌ها و مسئولان بازشماری و قرائت آراء و اینها هستند، یک توصیه به این عزیزان دارم و آن این است که بدانند رأی مردم امانتی است دست آنها و حق الناس است؛ یعنی حفظ امانت در این مسئله، حق الناس است. همان‌طور که می‌دانید حق الناس را انسان بیشتر بایستی رعایت کند و خروج از عهده حق الناس سخت‌تر است از خروج از عهده حق الله. لذا است که خیلی باید در این زمینه توجه کنند»<sup>۱</sup>.

## پرسش

## ۲۳. آیا امکان تقلب در انتخابات‌های جمهوری اسلامی وجود دارد؟

یکی از کلیدواژه‌هایی که دشمن، همیشه در ایام منتهی به انتخابات مختلف در جمهوری اسلامی ایران، به آن می‌پردازد وقوع تقلب و جابجایی آراء است. قطعاً در حکمرانی انسانی و تمامی انتخابات دنیا، احتمال جابجایی آراء وجود دارد و به همین دلیل، شائبه وجود چنین امری مطرح می‌شود که

۱. بیانات در گفت‌وگو با خبرنگاران صداوسیما پس از شرکت در انتخابات، ۱۳۹۲/۳/۲۴.

ممکن است آراء جابجا شود. اما در مورد اینکه در عمل نیز چنین موضوعی اتفاق بیفتد و مکانیزم‌های تعریف شده جهت جلوگیری از چنین امری کارآمد باشند، مورد بحث است.

بررسی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که هرگاه نتیجه انتخابات به نفع جریان اپوزیسیون و یا دشمن نبوده است، شائبه تقلب، برای زیر سوال بردن انتخابات و مشروعیت رای مردم مطرح شده است. چنانکه در انتخابات دوره سوم مجلس و در بحبوحه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شبهه تقلب در انتخابات مطرح شد و هرچند شورای نگهبان از همان ابتدا میزان تخلفات را در حد ایجاد تغییرات جدی میان منتخبان نمی‌دانست، اما اصرار به رفع شبهات داشت. امام رحمته‌الله علیه نیز خواسته ی به حق شورای نگهبان را اجابت کرد و هیئتی برای بررسی شکایات انتخاباتی تشکیل شد و در نهایت پس از رسیدگی به موضوع و گزارش این هیئت، امام رحمته‌الله علیه، انتخابات دوره سوم مجلس را شخصاً تأیید کرد.

۹ سال بعد، «جریان چپ» با حمایت از سید محمد خاتمی، پای به انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری گذاشت که عده ای نیز در همان ابتدای کارزار انتخاباتی، با طرح شائبه تقلب، سعی در کم‌رنگ کردن حضور مردم داشتند. حتی در بحبوحه ایام انتخابات، مرحوم هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت (هفته قبل از انتخابات) گفت: «مسئولان اجرائی و ناظر باید این کار را بکنند تا همان که رای مردم است در صندوق ریخته، خوانده و اعلام شود. ممکن است کسی فکر کند که اگر تغییراتی بدهیم تا شخص مقبولی که خودمان به او ایمان داریم، به سر کار بیاید، نفعی برای جامعه است. ولی این کار ضرر بنیانی دارد... مسئولان اجرائی و ناظران واقعاً باید به‌گونه‌ای کار کنند که خیال مردم راحت باشد».<sup>۱</sup> هرچند این سخنان در سنگینی کفه آرای

۱. هاشمی رفسنجانی - خطبه‌های نماز جمعه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۶.

سیدمحمدخاتمی موثر بود، اما این سخنان حاکی از رفع شائبه تقلب در انتخابات جمهوری اسلامی ایران موثر بود.

در انتخابات مجلس ششم نیز مجدد با طرح شائبه تقلب، عده ای سعی در ایجاد تردید در نتیجه انتخابات ایران داشتند که عملاً بازشماری آراء در برخی صندوق‌ها حاکی از سلامت فرایند انتخابات داشت. شاید اوج کار دشمن را بتوان انتخابات سال ۸۸ و در رقابت محمود احمدی نژاد و میرحسین موسوی دانست، که به محض شکست میرحسین موسوی سعی در ایجاد ابهام پیرامون انتخابات و از بین بردن نتایج مثبت حضور پیرنگ مردم داشته و تا حدودی نیز در این امر موفق بودند، اما با گذشت زمان و تحلیل آرای روستاها و غیرکلان شهرها و بررسی افراد موثر در ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی معلوم شد که عملاً وقوع چنین امری ممکن نیست. چنانکه عباس آخوندی نماینده نامزد انتخاباتی میرحسین موسوی در ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات با رهبر انقلاب ضمن رد ادعای تقلب به صراحت گفت: «صندوق‌ها را [اگر] بیست بار هم بشمارند نتیجه آراء عوض نخواهد شد».

نکته قابل ذکر این است که اگر جمهوری اسلامی تمایل به دستکاری آراء داشت و قلباً به حق الناس بودن تک تک آراء اعتقاد نداشت، انتخابات ۱۳۹۲ بهترین فرصت برای جابجایی آراء بود؛ چرا که حسن روحانی تنها با ۷ دهم درصد رأی، یعنی چیزی حدود ۲۰۰ هزار رأی بیشتر از حد نصاب ۵۰ درصد آراء توانست رئیس جمهور شود؛ این در حالی است که تمامی صاحب‌نظران و تحلیل‌گران اذعان داشتند که رفتار و گفتار حسن روحانی کاملاً مورد حمایت جریان اپوزیسیون است و اگر قرار به جانبداری نظام از کاندیدایی باشد، قطعاً دیدگاه حاکمیت با حسن روحانی بسیار متفاوت بوده و انتخاب دیگری را ترجیح می‌داد. اما با این وجود وی در سال ۱۳۹۲ و سال ۱۳۹۶ کرسی ریاست جمهوری را به دست آورد.

آنچه که جابجایی و دستکاری آراء در انتخابات را منتفی می‌کند، وجود هیئت‌های اجرایی و نظارتی است که با توجه به مکانیزم‌های تعریف شده برای هر کدام از دستگاه‌های عضو این هیئت‌ها، چنین امری را به حداقل می‌رساند.

نکته دیگر که قطعاً وجود جابجایی و دستکاری آراء در انتخابات را نفی می‌کند، تاکیدات موکد مقام معظم رهبری بر لزوم پاسداری از تک تک آرای مردم است. تاکیدات مقام معظم رهبری به عنوان حاکم شرع و مجتهد عالی، نشان می‌دهد وقوع چنین امری منتفی است، معظم له در همین زمینه در ۱۸ شهریور ماه سال ۱۳۹۴ در جمع اقشار مختلف مردم فرمودند: رأی مردم به معنای واقعی کلمه «حق الناس» است و مراقبت از رأی هر ایرانی، «واجب شرعی و اسلامی» است و هیچ کس حق ندارد در این امانت خیانت کند. ضمن اینکه «نتیجه آرای» مردم نیز مظهر کامل حق الناس است و همه باید در مراقبت و دفاع از آن تلاش کنند.<sup>۱</sup> ایشان در جای دیگر می‌فرماید: البته ممکن است در گوشه و کنار تخلفاتی باشد اما تخلفات سازمان یافته که نتایج را تغییر دهد، مطلقاً وجود ندارد.<sup>۲</sup>

نکته دیگر، تبلیغات دشمن و تشویق مردم به عدم مشارکت در انتخابات مجلس دوازدهم و ششمین دوره مجلس خبرگان توسط دشمن است؛ همین امر حاکی از آن است که آنها نیز به طور مستقیم به رای مردم و انتخابات و مشارکت واقعی مردم در انتخابات پی برده و اکنون به صورت غیرمستقیم به نقش تک تک آراء مردم اذعان داشته و سعی دارند با تشویق مردم به خالی کردن صحنه، به اهداف خود دست پیدا کنند.

۱. بیانات در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۸.

۲. دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.

## ۲۴. نظام ولایت فقیه چطور با مردم سالاری سازگار است؟ آیا به استبداد منجر نمی‌شود؟

امام خمینی رحمته‌الله علیه، تعبیر جمهوری اسلامی را مطرح کرده و از مردم می‌خواهد رأی بدهند. مقام معظم رهبری نیز بارها تعبیر مردمسالاری دینی را به کار برده‌اند. واژه‌ای که مکرر در فرمایشات امام و رهبری به کار رفته، مردم است.

کدام حکومت دموکراتیک در دنیا همانند جمهوری اسلامی هر سال یک انتخابات دارد؟ نظام ولایت فقیه هم به لحاظ نظری، هم بر اساس ساختار قانون اساسی و هم طبق آنچه تحقق یافته، یک حکومت مردمسالار است.

البته هر حکومت دموکراتیک، یک عقبه ایدئولوژیک دارد که در جمهوری اسلامی ایران، ایدئولوژی اسلامی حاکم است.

به تعبیر آیزایا برلین، وقتی از آزادی سخن می‌گوییم یک «آزادی از» و یک «آزادی در» داریم؛ «آزادی از» یعنی رفع موانع آزادی و «آزادی در» یعنی آزادی در چارچوب قوانین. هرگاه از نفی استبداد سخن می‌گوییم، «آزادی از» است اما کنار آن «آزادی در» وجود دارد یعنی در هر کشوری قوانینی هست که باید در چارچوب آن عمل کرد.<sup>۱</sup>

اگر قوانین باب طبع کسی نباشد نمی‌تواند بگوید این حکومت استبدادی است. اگر این گونه باشد پس همه حکومت‌ها استبدادی هستند. هیچ حکومتی نیست که از «آزادی از» سخن بگوید ولی «آزادی در» نداشته باشد.

۱. نک: چهارمقاله درباره آزادی، آیزایا برلین.

اما در قوانین باید دید چقدر به حقوق مردم توجه شده است. «آزادی در»، مجموعه‌ای از حق و تکلیف‌هاست. اینکه برخی اشکال می‌کنند که جمهوری اسلامی نظام تکلیف‌مدار است، حرف غلطی است. همه نظام‌های حقوقی دنیا، هم حق‌مدار هستند و هم تکلیف‌مدار. شما هیچ جا حقی نمی‌بینید که تکلیفی نباشد. حکومتی که یکی را داشته باشد اصلاً قابل تصور نیست.

**پرسش**

**۲۵. واقعاً حکومت ولایت فقیه هم می‌تواند سازوکارهایی برای پیشگیری از فساد، از بالاترین تا پایین‌ترین رده ایجاد کند؟!**

اینکه ما حکومتی را تصور کنیم که هیچ فسادی در آن نباشد، فقط حکومت حضرت ولی عصر عج است. برای همین در اسلام کتاب القضا وجود دارد. مهم آن است که ساختارهایی در قانون تعبیه شود که مانع گسترش فساد شود یا با فساد مقابله کند.

قانون اساسی ایران حاصل تجربه فقهی فقها و تجربه حقوقی حقوقدانان است و دو سنخ نظارت درونی و بیرونی در آن لحاظ شده است. نظارت درونی، تقوا و ورع کارگزاران از صدر تا ذیل است که به عنوان شروط مقامات نظام مطرح شده است. برای نظارت بیرونی هم ساختارهای قانون اساسی مانند تفکیک قوا وجود دارد. تفکیک قوا ساختاری است که به جرأت، جلوی استبداد حکومتی را می‌گیرد. دیگر ساختارهای نظارتی قانون ما از جمله دیوان محاسبات زیر نظر مجلس، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر قوه قضاییه و مجموعه‌های امنیتی مثل وزارت اطلاعات در ساختار قوه مجریه است.



## ۲۶. پاسخگویی در نظریه ولایت فقیه چگونه است؟

اینکه اگر کسی نامه سرگشاده‌ای خطاب به رهبری نوشت، رهبر باید پاسخ دهد، خیر این پاسخگویی نیست. پاسخگویی، مکانیسم‌های خود را دارد. مجلس، می‌تواند هم از قوه مجریه و هم از قوه مقننه سؤال کند. البته با این پیش شرط که بدانیم، قاضی مستقل است و این قاعده در همه جای دنیا وجود دارد اما وزیر دادگستری، رابط بین دولت و مجلس و قوه قضاییه است. مکانیسم نظارتی رهبری هم مجلس خبرگان است. مجلس خبرگان، بر اوصاف و شرایط رهبری نظارت دارد. «کمیسیون تحقیق» مجلس خبرگان، عملکرد رهبری را زیر نظر دارد.

## ● پایان سخن و آغاز اقدام:

در آستانه اتمام مجلس یازدهم شورای اسلامی هستیم خوب است مطالعه ای نسبت به عملکرد خودمان داشته باشیم که چه کسانی را به مجلس شورای اسلامی فرستادیم؟ و الآن چه کسانی را مجدداً به مجلس خواهیم فرستاد؟ چه انتظاری از مجالس پیشین شورای اسلامی داشتیم؟ و چه انتظاری از مجلس آینده شورای اسلامی خواهیم داشت؟ کسانی را که به مجلس فرستادیم چه مقدار و میزان، انتظارات ما را برآورده کردند و چه میزان از انتظارات را برآورده نکردند؟ نقاط قوت آنان چه بود؟ نقاط ضعفشان چه بوده و چه هست؟

در رأی دادن‌ها لازم است به شاخص‌های فرد در برخورداری صلاحیت نمایندگی مجلس دقت شود. از جمله شاخصه‌های نمایندگی، شناخت مجلس و وظایف نمایندگی مجلس است. کسانی که می‌خواهند به مجلس بروند باید بگویند چه برنامه ای دارند؟ یا اگر سابقه مجلس داشتند

در مجلس چه کردند؟ نماینده محترم با اطلاعات و آمار ثبت شده دقیق باید بگوید شخصاً چه نقشی در تصویب هر کدام از قوانین مصوب داشته است؟ ثانیاً این قانون کدام اشکال را رفع کرده است؟ آیا در تبلیغات انتخاباتی داوطلبان مجلس شورای اسلامی به مشکل مدیریتی اشاره شده است؟ این اشکال چگونه قابل رفع است؟ آیا به مشکلات فرهنگی اشاره شده است؟ این مشکل چگونه قابل رفع است؟ مشکلات مردم چیست؟ نماینده مدعی وکالت چه شناختی از مشکلات داشته و دارد؟ و با تصویب قانون چه مشکلی حل شد؟

اینکه کسی بگوید کار مجلس تصویب قانون است به کار نمایندگی نمی‌آید بلکه باید بگوید کار مجلس تصویب قانون کارآمد است. قانون کارآمد را توضیح دهد و بگوید در مجلس چه قانون کارآمدی را تصویب کردند. دلایل کارآمدی قانون مصوب را در زندگی عینی و عمومی مردم بیان نماید. چنین فردی شایستگی و صلاحیت ورود مجدد به مجلس را دارد. کسی که پیشینه نمایندگی مجلس را ندارد باید به صورت مشخص و معین و واضح بگوید که چه کار زمین مانده ای را در مجلس کلید خواهد زد؟ چه طرحی را برای بهبود وضعیت موجود ارائه خواهد داد؟

رای کسی که خودش نیز به عدم توانمندی خود آگاه است و صلاحیت واقعی ندارد نامشروع است. مردمی هم که با آگاهی از ناتوانی، به او رای دهند، فعل حرام انجام داده‌اند. تنها در صورتی که فرد صلاحیتداری نامزد نشده باشد و در شرایط اضطرار می‌توانند فرد ضعیف را انتخاب کنند. اما در هر شرایطی فرد فاقد صلاحیت و آگاه به عدم صلاحیت خود، شایستگی نامزدی ندارد.

بدیهی است که در تعیین سرنوشت جمعی، با مسئولیت الهی و ارزش‌گذاری شرعی، هر مسلمانی باید رضایت خداوند متعال را در نظر گرفته و مانع از انتخاب ناهلان شود. پس لازم است که مسئولیت الهی بر روابط خویشاوندی و تعصب‌های قومیتی ترجیح داده شود. حتی انتخاب‌های

شخصی زندگی- مثل انتخاب رشته دانشگاهی و ازدواج- نیز باید با دوری از احساسات زودگذر و هیجانات و عاقلانه انجام شود. همواره انتخاب‌های احساسی و هیجانی که متأثر از عواطف انجام می‌شود، سست و غیرعقلانی است.

ایجاد فضای هیجانی شیوه سوداگرانه کسانی است که در تلاشند تا با ایجاد بازار مکاره، کالای کم‌فروش خود را به فروش رسانند و منفعت جویی کنند. همواره باید هوشیار باشیم تا کاندیداهای «بد کارنامه» یا «بی کارنامه»، انتخاب ما را به حاشیه نبرند. این روش شیوه قدرت‌طلبان است که به پشتوانه تیم‌های رسانه‌ای و شگردهای جنگ روانی و احساسی کردن فضای در پی دستیابی به آن هستند.

امید است رویکرد الهی جمهوری اسلامی، گرایش‌های دینی ملت ایران- که به انجام وظیفه شرعی، با رنگ و بوی الهی می‌اندیشند و به سرچشمه‌های الهی انقلاب متصلند- با هدایت و اتصال و پیوند به ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام، مشارکت شکوهمند ایجاد کنند و این حرکت به استحکام پایه‌های نظام اسلامی بینجامد.

کاندیدها نیز موظفند تا در مقابل این سرمایه عظیم اجتماعی، با ارائه برنامه‌های عملیاتی، در جهت رفع مشکلات موجود قدم بردارند. و با انتخاب نمایندگانی امین و بصیر و حکیم، جامعه‌ای پویا و شکوفا در سایه عنایت الهی شکل دهند. در پایان فراموش نکنیم که اگر تک‌تک رأی‌های ما بی‌ثمر بود، رسانه‌های دشمن این‌گونه شبانه‌روز در شیپور مجازی یأس‌آوری، نمی‌دیدند و رأی ندادن را تبلیغ نمی‌کردند.